

ماه مبارك رمضان شاهراه رستگاری

تهیه و ترتیب:

خواهران / ام جهاد وام شهید

زیر نگرانی:

ابو شهید

استاد دانشگاه بین المللی اسلامی اسلام آباد

بسم الله الرحمن الرحيم
ماه مبارك رمضان شاهراه رستگاری

می خوانیم:

دریچه

هلال ماه مبارك رمضان بین حقیقت و خیال!

پیشواز بسوی بهار قرآن

رمضان ماه نبرد و کارزار در راه خدا

فضائل روزه

برای روزه دار دو خوشحالی است که روح و روان او را شاداب می کنند

فضیلت‌های ماه رمضان و روزه آن

حکم و فوائد روزه ماه مبارك رمضان

حکم روزه و فوائد آن

راه و روش پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در رمضان

چه چیز برای روزه دار شایسته و چه چیز واجب است؟

روزه و تربیت نفس

آداب روزه و سنت‌های آن

ساعت‌های طولانی از روز را خوابیدن

ترک کردن نماز روزه دار

بدون عذر روزه نگرفتن

بنده رمضان!

خوردن روزه در وقت اذان صبح

بلعیدن آب دهن

مسواک زدن در روز

جنب - استفراغ - خون

استفاده از بوی خوش

خمیر دندان و قطره چشم و گوش
از جمله چیزهای که علما استعمالشان را در روز رمضان جایز دانسته اند
راه و روش پیامبر در روزه
امر کردن بچه ها به روزه در رمضان
چیزهایی که روزه را باطل می کنند
کسانی که خوردن روزه در رمضان برایشان مباح است
حکم روزه دار مریضی که امید به شفایش نیست
حکم روزه خوردن کارگر
زنی که بلافاصله بعد از فجر پاک شود
استفاده از قرصهای منع حیض در رمضان
حکم تاخیر قضای رمضان
نماز تراویح
فتواهایی که برای سحر و تراویح داده شده است
بهتر است که تابع امام باشیم
۱۰ روز آخر ماه رمضان
اعتکاف
حکم اعتکاف و شرطهای آن
لیله القدر
درجه های روزه داران
رمضان ماه قرآن
رمضان ماه بخشش و سخاوت
عمره در ماه مبارک رمضان
وداع با ماه نور
بعد از رمضان
زکات فطریه

عید

از سنتها و مستحبات عید

وقت نماز عید

مکان نماز

قضاء نماز عید

ضمیمه:

۱. دعای قنوت

۲. نیایش سحر گاهان

بسم الله الرحمن الرحيم

دریچه

حمد و سپاس بیکران و ستایش و مدح و ثنای بی مانند از آن ذات پاک یکتائی که امت ما را بر امتهای پیشین برتریها داد، اله و خالقی که به ما ماه پر نور و برکت رمضان را هدیه کرد، خدائی که شب قدر را به ما ارزانی داشت تا با یک شب اجر هزار ماه طاعت و عبادت بدست آریم...

سلام و درود و صلوات پر بار بادا رسول هدایت را، راهنمای بشریت و هادی انسان از سیاه چالهای ظلمت و تاریکی بسوی مراتب والای نور و هدایت... پیام آور توحید و رسالت... آنکه پرتو ماه پر نور رمضان بر دستان مبارکش از جانب پروردگاران به ما ارزانی داشته شد...

رمضان ایستگاه پر نور سال است... در رمضان حقیقت هر انسان برملا می شود و پرده از واقعیتش بر کشیده می گردد... تو گویی رمضان ندای رب العالمین است ... برای بندگانی که همیشه گناه و کوتاهی خویش بر دوش شیطان لعین می اندازند و شانه از زیر بار کوتاهیهای خویش خالی می کنند...

ندای پر طنین آسمانی است که با صلابت قلبها را بخود می آرد که ای بندگان خدا... حال که ما شیطانها را به زنجیر کشیده ایم درهای جهنم سوزناک را قفل و زنجیر زده ایم و درهای بهشتهای برین را باز گشوده ایم... به میدان آی و خودت را نشان ده.

ثابت کن که کیستی و چه در توان داری... با دستان خود جایگاهت را در بهشتهای والای الهی رقم زن...

آری! رمضان ماه نور و ویکرویی است... ماه مرد خدا بودن و یا شیطان شدن (!) است.. آنکه در رمضان ره خدا نجوید و پا در ره شیطان نهد او دیگر راه شیطان نیموده و یا در دام شیطان نیفتاده، بلکه او خود شیطانی است از شیاطین بشر... چرا که در رمضان شیطانی نیست که او را از راه به چاه کشد... این صفات شیطانی است که در خون ورگ او با او آمیخته شده و فطرت و وجدان ایمانی او را درهم شکسته از او موجودی دیگر در کالبد انسانی پرورده... که اگر توان دیدن او را با آینه صدق و صفای ایمانی داشته باشی همان چهره ننگ

وعصیانگر شیطان را در چهار چوب کالبدی انسانیش خواهی دید...

بار دگر رمضان به دیدار انسانیت می آید در حالیکه هنوز سرزمینهای مسلمانان غرق در خون است... رمضان به امید اینکه شاید خونهای سال گذشته خشک شده باشند و ملت‌های اسلامی ره بسوی رشادت برده باشند و یا اینکه از خواب سنگین خرگوشی بیدار شده باشند بار دگر فرا رسید... اما دید که با تلاقهای خون مسلمانان مظلوم سیلاب شده، دریاچه های خون اقیانوس گشته... کمرهای مسلمانان در هر جای دنیا زیر تازیانه های کفر به زانو در افتاده است...

چشمان رمضان چنین حیره و حیران به جهان دوخته گشته... اما چه کند که او را زبانی و توانی نیست.

آیا گمان می بری که اگر رمضان را توانی بود و خبر از قصه همیشگی ظلم و ستم، ذلت و خواری ... آیا بار دگر می آمد... گمانم هرگز!

آیا اگر رمضان را زبانی می بود با صدای بلند داد بر نمی آورد که:

– ای مسلمانان بر خیزید... این چه عزا و چه ماتم است؟ تا کی در زیر تازیانه های ظالمان شراب ذلت و خواری را مستانه می نوشید؟

من آمده ام تا گناهانتان را شستشو دهم، بیائید دست در دستانم نهید تا پاک شوید و به سوی درگاه پروردگارتان دستان لرزان امید و آرزو دراز کنید شاید که خداوند در شما همت حرکت نهید... برخیزید و کیان ظلم و ستم از زمین برچینید...

اما چه که بغض گلوی رمضان را محکم فشرده و توان سخن از او ر بوده است... وای کاش مسلمانان پیام رمضان دریابند و حرف ناگفته را خود شنوند.

این چند سطر در برگیرنده برخی از احکام رمضان است که به روزه داران تقدیم می داریم بدین امید که مورد استفاده آنها قرار گیرد و در این ماه پر برکت رمضان یادی از ما در دعاهایشان کنند شاید که خداوند متعال دعای دوستی و برادری را در حق ما پذیرا شود و گناهان بی متتهایی ما را بر ما ببخشد، و ما را در زیر سایه لطف و کرمش همواره سربازان راه خود قرار دهد.

با التماس دعا **ام جهاد و ام شهید**

هلال ماه مبارک رمضان بین حقیقت و خیال!

با فرو ریخته شدن پایه های متزلزل خلافت عثمانی آخرین پرچمی که با نام اسلام در صحرای وحشتناک جهالت قرن نوزدهم بر افراشته شده بود، این میراث بزرگ بین فرزندان ناباب اسلام، یعنی مسلمانانی که با اسلام فرسنگها فاصله داشتند به طور ناعادلانه تقسیم گشت.

دست خون آشام استعمار نیز در این مسئله دخالت کرده، از هر چند شهرکی کشوری ساخته بر هر سری کلاهی با رنگ و بوی خاصی نهاده شد.

از آنروز هیمنه سیاسی با نظام و حکومت الهی قهر کرده خودش را بسوی نظامهای بی نظام غربی سوق داد که نهایتاً این کشورهای بی قانون جهان سوم، پدیده آن حرکت پوشیده و پوسیده قدیم که نه خدای را پیششان ارزشی است و نه انسان را، بوجود آمدند.

بار دیگر قرآن بزدان رفت و اسلام در زیر چکمه های بچه های عاق شده اش در سلولهای تاریک و وحشتناک به جیغ و فریاد در آمد.

امروزه شاهدان عینی این همه وحشیگری و بی خدایی هستیم که فردا در میدان محشر شهادت خواهیم داد و با پرده کشیدن از اینهمه ظلم و ستم رسوایی ظالمان و ستمگران را شاهد خواهیم شد.

از آنجا که روح دین و خدا پرستی در سینه های این امت کاشته شده و با رگ و خونشان آمیخته شده بود، هر حکومتی برای جذب مردم ندای اسلام برآورد و قرآن را در کنار داس و چکش و یا صلیب و کرواتش و یا... قرار داد.

دین اسلام نیز دینی است شامل که تمامی شئون زندگی فردی و زندگی اجتماعی را برای پیروانش ترسیم نموده، که التزام به آن می بایستی همه جوانب را بپوشاند، احکام شخصی و فردی فقط دور و بر تکه گوشتی که قلب نامیده می شود می چرخد و پس از آن احکام اجتماعی است که این قلب با خدا را با قلبهای دیگر هم خانواده اش می آمیزاند. از جمله این عبادات همگانی عبادت روزه است که سالی یکماه معده ای که همواره زیر رحمت الهی با نظام خاصی نعمتهای پروردگارش را می بلعید در این مدت کوتاه کمکی استراحت می

کند تا بتواند با ادای فرامین پروردگارش شکری بجا آورد.

در ضمن روح و روان از خالی شده معده استفاده کرده غذای مورد علاقه خود را درمی یابند و باز پس از سفری طولانی در گناه و معصیت بسوی ریسمان معصوم الهی بازگشته اعتراف می کنند که ما بنده ایم، بنده و برده پروردگار عالمیان فقط.

بنده خدا فقط بنده او بودن یعنی از عبادت همه دست کشیدن و بسوی او روی آوردن... مخالف إله منشی بسیاری از حکومتها است از اینرو آنها همواره سعی می کنند که در این عبادت الهی نیز دخالت کرده آنرا زیر قانونهای اساسی بی اساسشان در آرند.

بهمین جهت از مسئله اختلاف مطالع - یعنی اختلاف در طلوع ماه و خورشید - سوء استفاده کرده آنرا بر زبان علمای درباری، خواسته یا ناخواسته، مطرح می کنند تا همیشه نانشان در روغن بماند!

در حقیقت در فقه اسلامی چیزی بنام «اختلاف طلوع و غروب ماه و خورشید» مطرح بوده است و پیامبر اسلام نیز فرموده اند: «صوموا لرؤیته وافطروا لرؤیته». یعنی با دیدن هلال رمضان روزه بگیرید و با دیدن هلال شوال افطار کنید.

این تنها راه دریافتن ماه مبارک رمضان بوده و هست. اما همانطور که واضح و روشن است سخن پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه وسلم - موجه بهمه امت اسلامی است پس اگر چنانچه چند نفر از این امت در جایی از کره زمین هلال ماه مبارک رمضان را دیدند روزه بر همه امت واجب می شود، نه اینکه ما طبق نظام امروزی اوامر پیامبر اسلام را تأویل کنیم و بگوئیم که ایشان اهل هر کشوری را جداگانه امر فرموده اند، چرا که:

اولاً: وجود این کشورها و مرزهای آنها طبق نظام سیاسی معینی است که روز بروز تغییر می کند در حالی که نظام اسلام و احکام الهی ثابت است - مگر در موارد برخی احکام اجتهادی - که اجتهاد نیز در دایره نص ثابت انجام می گیرد.

ثانیاً: مناطق مرزی هر کشوری بکشور همسایه نزدیکترند تا به پایتخت کشور خود، مثلاً فاصله مناطق جنوبی با کشورهای عربی کمتر است تا فاصله شان با پایتخت کشور پس بر چه اساسی در دیدن ماه تابع پایتخت خود باشند؟ (شاید دانستن این نقطه برای جالب توجه باشد که فاصله بین پاکستان و ایران جاده ای است به عرض ۴ متر و فاصله بین پاکستان

و افغانستان طنابی به قطر ۲ سانتی متر (!) ومی بینی که در این سوی طناب و آنسوی اسفالت مردم آدامس نشخوار می کنند در حالیکه همسایه ها و خویشانشان تسبیح بدست با دهان روزه ذکر خدا می گویند، و چند پگاهی بعد در اینسوی طناب مردم عید را به همدیگر تبریک می گویند در حالیکه در آن سو چشمان برادرانشان خیره به آسمان در انتظار شب قدر است! - سؤال گریه برانگیز اینست که چرا مسلمانان عقلهایشان را بکار نمی گیرند؟).

از این قرائن و بسیاری جهات دیگر واضح می شود که اختلافاتی که در روزه بعضی از اقوام پیشین بوده سبب آن مسافت طولانی راه و نه بودن وسائل حمل و نقل سریع بوده نه اختلاف مطالع، بدین معنی که مثلاً در شهری ماه دیده شده و مردم شروع بروزه گرفتن نموده اند اما در شهر دیگری که از شهر اول ۲۰۰ کیلو متر فاصله داشته بسبی، از جمله مه آلود بودن هوا، ویا ابری بودن آسمان ویا... ماه دیده نشده وروز بعد با دیدن ماه ویا با کامل شدن ۳۰ روز شعبان، رمضانشان شروع شده، بر همین اساس عید این دو شهر نیز با اختلاف یک روز بر پا می شود که این امر اگر چنانچه واقعاً در گذشته اتفاق افتاده، هیچ غوغائی را نمی توانست به پا کند چرا که چاره ای جز قبول آن نبود واین اختلاف - در طول مسافت گم می شد، و کسی نمی توانست بر دیگری اعتراض کند.

اما امروزه با پیشرفت علم بشری - که این خود یکی از راههای خداشناسی است و خداوند متعال با تأکید فراوان می فرماید که ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾. [فاطر: ۲۸]. (تنها و تنها دانشمندانند که از خداوند می ترسند).

پس دانش راهی است برای دریافتن قدرت الهی و علم همیشه و همواره در خدمت تعالیم الهی بوده است. انسان توانسته است که از نظام گردش زمین و خورشید و ماه بطور کلی باخبر شده و از بسیاری از ریزه کاریهای آن مطلع گردد، و اگر ما توجه کنیم در خواهیم یافت که همه جهان اسلام - کشورهای اسلامی - در یک شب با هم مشترکند - و اختلاف طلوع و غروب بیش از چند ساعت نیست - و این بدین معنی است که همه ما در مسیر گردش «یک ماه» قرار می گیریم - یعنی همان هلالی که در یمن قبل از چند ساعت دیده شده بعد از چند ساعتی در شهر ما و در کشور ما می بایستی دیده شود، و اگر عواملی طبیعی ویا... مانع دیدن ما شد دیگر بر ما هیچ عذری و بهانه ای نیست ومی بایستی بنابر سخن برادرانمان روزه بگیریم

چرا که امت اسلامی یک جسد هماهنگ است.

و آیا واقعاً شرم آور نیست که مثلاً در کشورهای چون کشورهای عرب در خلیج که هر کشوری از شهرکی بزرگتر نیست یکی امروز و دیگری فردا و آن دیگر بعد از دو روز دیگر رمضانش شروع می شود. و اگر امروز روابط سیاسی با کشور فلان هماهنگی می کرد در روزه امسال همسفرش خواهد شد و إلا مخالفت پیشه می گیرد. (هلال سیاسی یا هلال شرعی!!) بنگر که چرا برخی از سالها روزه ما با عربستان سعودی هماهنگ می شود و سالهای دیگر یک روز به عقب می افتد؟ در سالهای اتفاق اختلاف مطالع کجا رفته بود؟ - شاید جواب این سؤال در وزارت خارجه نهفته باشد!.

و آیا شرم آور نیست که در شهرهای بزرگ دنیا چون لندن و پاریس مسلمانان سه روز نماز عید می گذارند، سعودیها بر طبق عید سعودی، ایرانیها بر اساس عید در ایران، و ترکها همگام با عید ترکیه!.

روزهای سال چون واکنشهای یک قطار بهم چسبیده، پیش می روند. اگر ما بطور مثال، یک روز قبل از کشور عربستان روزه بگیریم پس ما یک روز از آنهایی که بر اساس اعتقاد خویش دیرتر روزه گرفته اند جلو خواهیم افتاد، از اینرو احکام حج ما نیز می بایستی یک روز جلو بیفتد و قیام در عرفات ما نیز یک روز جلو می افتد، عید قربان ما نیز قبل از عید آنها خواهد بود و اگر چنانچه کشوری دیگر بعد از آنها روزه گرفته باشد در همه این مسائل یک روز با آنها و دو روز با ما اختلاف خواهد داشت. واضحتر اینکه: روزی که حجاج خانه مطهر خداوند متعال در عرفات هستند و نیمی از مسلمانان جهان بنا به سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم روزه دارند ما قربانیهایمان را می بایستی سر ببریم، و در روز دیگر که حجاج بیت الله الحرام قربانی می دهند و روزه اساساً حرام است برادرهای دیگر ما در جای دیگری از دنیا دهان به روزه عرفه دارند!!!

پس همانگونه که روشن شد این یک نوع قلاع و بازی گرفتن احکام است و در طول تاریخ اسلام چه در زمان پیامبر اکرم -صلی الله علیه و سلم- و چه در زمان یاران آنحضرت و بعد از آنها همچنین مسئله ای اصلاً روی نداده و مطرح نبوده است. حال بیا یک لحظه با خود بیندیشیم که این اختلاف ساختگی چه ها می تواند بر پا کند.

۱- کره زمین امروز چون یک دهکده کوچکی است که همه انسانها می توانند در کوتاهترین وقت وبا ساده ترین روشها با هم رابطه برقرار کرده بهم برسند. در چنین موقعیتی اختلاف در اولین روز رمضان وعید چه معنا دارد؟!

۲- در شهرهای بزرگی که مردم صدها کشور مختلف بنابه احتیاجات روز مره وروابط گوناگون دور هم جمع شده اند وهر یکی در احکام تابع فتوای کشور خودش است برقرار کرده چند نماز عید در چند روز متوالی چه معنا دارد؟!

آیا اینها همه منافی مفهوم عید واجتماع در نماز و... نیست؟

وآیا با هماهنگی عبادت روزه تعارض ندارد؟

پیشرفت علم ثابت کرده که این اختلاف هیچ گونه دلیلی نداشته و تنها بر اوهام وتنگ نظریها بنا شده است. ودر حقیقت این یک مسئله علمی ونجومی است نه یک مسئله فقهی که بر فتوای قدیم بنا شود.

هر یک از ما اگر قدری با خود بیندیشد ومسئله را بدون تعصب وجهت گیری فقط وفقط برای رسیدن بحقیقت بنگرد، در خواهد یافت که این جنجال جز یک تئاتر بی معنا چیز دیگری نیست ودر خواهد یافت که امام ابوحنیفه رحمه الله وقتی در فتوایشان فرمودند که: «اگر چنانچه یک مسلمان راستگو در هر جایی از زمین ماه را ببیند روزه رمضان بر همه مسلمانان واجب می شود».

چقدر دور اندیش وحکیم بوده است. نمی دانم که چرا ما در این مورد بخصوص سخن

آن حضرت را زیر پا نهاده وبه رأی ضعیفتر ومخالف با عقل ومنطق وعلم روی می آوریم؟!

پیشواز بسوی بهار قرآن

چگونه از ماه نزول قرآن استقبال کنیم؟

پروردگار جهانیان می فرماید: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾. (سوره بقره: آیه/۱۸۵).

ترجمه: (ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است برای هدایت مردم و با ادله و براهین آشکارا و روشن برای راهنمایی).

چنین به استقبال رمضان رویم:

- توبه خالصانه به درگاه احدیت و استغفار کردن از گناهان خود.
- آموختن اصول روزه در ماه رمضان.
- با اعمال نیکو و صالح و اراده راسخ و صادقانه و با همت بلند به پیشواز رمضان رویم.
- آمادگی کامل برای رمضان چرا که لحظه ها و روزهای آن بسرعت باد سپری می شوند.
- کوشش کردن برای حفظ اذکار و دعاها و مواظبت بر خصوصیات که متعلق به این ماه مبارک است.
- قرآن را برنامه زندگی قرار دهیم و آن را تلاوت نموده به احکام آن عمل نمائیم.
- ماه رمضان را ماه قرآن قرار دهیم، قرآن بخوانیم، بیاموزیم و بیاموزانیم، و بسوی قرآن دعوت کنیم.

رمضان ماه نبرد و کارزار در راه خدا

برخی با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان جامه تنبلی و بیهودگی بر تن نهاده گمان میبرند که رمضان یعنی از راستای زندگی در آمدن و در بستر خواب و بیهودگی لمیدن! اما مسلمان واقعی که درس زندگی را از دانشگاه رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- می آموزد همواره در پی دریافت حقائق از آن أسوه رستگاری است. با مروری گذرا بر تاریخ اسلامی در می یابیم که بزرگترین تحولات تاریخی و بزرگترین

برنامه ای دعوی پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- در رمضان صورت گرفته است.
قرآن کریم راهگشای هدایت و برنامه زندگی و اساسنامه دولت اسلامی و حکومت عدل
الهی در این ماه مبارک به بشریت هدیه داده شد ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ
وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ﴾.

ترجمه: (ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن برای هدایت و رستگاری مردم با أدله
روشن برای راهنمایی و جدائی حق از باطل نازل شده است).

ماه رمضان ماه صداقت زمین و آسمان بود، پرتو پرنور سعادت آسمانی بر زمین وزمینیان.
در این ماه بود که زوزه شمشیر در مقابل غرّش ایمان سر خم کرد و برای همیشه تاریخ
بشریت شاهد و گواه آن شد که آهن پاره ها را توان مقابله با ایمان نیست!
آری! معرکه بدر...

غزوه بدر که معرکه ثبات اسلام و درهم شکستن کفر و جهالت بود ثمره رمضان است،
«بدر» در تاریخ اسلامی یعنی میدان تاریخ ساز... میدانی که در پهنای آن دو راه بیشتر نبود،
یا پیروزی اسلام بر کفر که آن بسیار ناممکن نمودار بود و یا درهم شکستن پایه های ضعیف
مسلمانان و پیروزی جهالت و ظلمت بر نور که میدان معرکه چنین نمایان می کرد.
اما خواست پروردگار بود که ۳۱۳ مسلمان چوب و چماق بدست بر بیش از هزار مرد
جنگی مسلح به مدرنترین اسلحه های زمانه خویش سوار بر اسبهای نیرومند جنگی، غالب
آیند و خورشید تابان ایمان بر تاریکیها پیروز گردد.

در اینجا بر مهمترین غزوه های پیامبر -صلی الله علیه وسلم- که در طول ۱۳ سال
حکومت اسلامی مدینه در زمان پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- رخ داد و بر برخی از
بارزترین جنگهای تاریخ اسلامی اشاره می کنیم تا عاشقان زندگی آن بزرگمرد نبوت به
کتابهای سیره و تاریخ اسلام رجوع کرده از نزدیک نظاره گر واقعیتها و تفصیل تاریخی این
حقائق زیبا و شیرین باشند، حقائقی که در مؤمنان روح از خود گذشتگی و فداکاری می دمند.

نام معرکه	تاریخ نبرد	فرمانده لشکر اسلام	فرمانده لشکر کفر	تعداد نیروهای اسلام	تعداد نیروی کفر	نتیجه نبرد
سریه سیف البحر	جمعه / رمضان سال اول هجری	حمزه فرزند عبدالمطلب عموی پیامبر اکرم	أبو جهل	۳۰ مجاهد سواره	۳۰۰ مرد جنگی	جنگی صورت نگرفت و مسلمانان به نیروهای دشمن فهماندند که همیشه آمادگی مقابله دارند.
غزوه بدر کبری	جمعه / ۱۷ رمضان سال دوم هجری	پیامبر اکرم	أبو جهل	۳۱۳ نفر بدون اسلحه و آمادگی	۱۰۰۰ مرد جنگی با اسلحه کامل	پیروزی لشکر اسلامی. مسلمانان ۲۲ شهید دادند در حالی که از کافران ۷۰ نفر بہلاکت رسید و ۷۰ نفر اسیر شد و بقیه پا به فرار گذاشتند
سریه عمیر بن العدی	رمضان سال دوم هجری					عمیر خواهرش را که مردم را بر علیه مسلمانان بر می انگیخت

بهاکت رسانید.						
قبیله بنو قزاره با تبلیغات أم قرفه بر کاروان تجارتی زید بن حارثه حمله ور شده کاروان را ربودند، پیامبر اکرم گروهی را به رهبری ابوبکر صدیق برای نجات کاروان فرستادند که در این درگیری ام قرفه ودخترش وبرخی دیگر به اسارت مسلمانان در آمده، بقیه فرار کردند.			أم قرفه	ابوبکر صدیق یار غار پیامبر اکرم	رمضان سال ششم هجری	سریه أم قرفه
درگیری بین مسلمانان				غالب بن عبدالله	رمضان سال	سریه المیفعه

ومردم میفعه که در ضمن تحالف با یهودیان خیر بودند صورت پذیرفت.					هفتم هجری	
مکه به وسیله مسلمانان فتح شد در این حادثه تاریخ ساز فقط دو تن از مسلمانان شهید شدند و ۱۲ نفر از مشرکان بهلاکت رسیدند و شهر در دست مسلمانان افتاد.			قریش مکه	پیامبر اکرم	۱۰ / رمضان سال هشتم هجری	غزوه فتح مکه
اسپانیا دروازه اروپا به سیطره لشکر اسلام در آمد و نیروهای اسلامی توانستند پس			لوزریق	طارق بن زیاد	۲۸ رمضان سال / ۹۲ هجری	فتح اندلس (اسپا نیای امروز

از آن سینه دریا را شکافته تا فرانسه به پیش روند.						(ی)
لشکر مسیحیان شکست چشم گیری خورد وپا به فرار گذاشت.	بیش از ۸۰ هزار مرد جنگی			یوسف بن تاشقین	روز جمعه ۲۵/ رمضان ۴۷۹هـ	جنگ زلاقه
مغولیان وحشی که سالها دنیای اسلام را در زیر تاخت وتاز خود به تاراج برده بودند، بغداد و دمشق پایتختهای جهان اسلام جولانگاه اسبان چنگیز خان مغول شده بود در جنگ نابرابرانه عین جالوت پوزیه شان برای				سلطان قطز (نوه خوارزمشاه، خواهرزاده سلطان جلال الدین خوارزمی)	روز جمعه ۱۵/ رمضان ۶۵۸هـ	جنگ عین جالوت

همیشه به زمین مالیده شد و کمر شان درهم شکست.						
---	--	--	--	--	--	--

فضائل روزه

خداوند متعال برای روزه اجر و پاداش بسیار بزرگ و بخشش زیادی قرار داده است همانطور که در سوره احزاب آیه ۳۵ می فرمایند: ﴿... وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ﴾ و در دنباله آیه می فرمایند: ﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾.

ترجمه: «زنان و مردان روزه دار... برای همه آنها خداوند متعال مغفرت و پاداش بسیار بزرگی مهیا ساخته است».

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرمایند: «ما من عبد يصوم يوماً في سبيل الله إلا باعد الله بذلك وجهه عن النار سبعين خريفاً».

فرموده رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- است که: (هر کسی که فقط بخاطر خداوند روزه می گیرد خداوند آتش جهنم را از او ۷۰ سال دور می سازد).

روزی ابو امامه به نزد پیامبر -صلی الله علیه وسلم- آمدند و از ایشان سؤال کردند یا رسول الله مرا از انجام دادن کاری که باعث داخل شدنم به بهشت می شود با خبر ساز؟

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در جواب فرمودند: «عليك بالصوم، فإنه لا مثل له».

ترجمه: (روزه بگیر، چرا که اجر و پاداش هیچ چیز مثل آن نیست).

در حدیث قدسی خداوند متعال می فرمایند: «كل عمل ابن آدم له إلا الصيام فإنه لي وأنا

أجزى به، والصيام جنة -أي وقاية- وإذا كان يوم صوم أحدكم فلا يرفث ولا يصخب، فإن سابه أحد أو قاتله فليقل: إني امرؤ صائم، والذي نفس محمد بيده خلوف فم الصائم أطيب عند الله من ريح المسك، للصائم فرحتان يفرحها؛ فرح إذا أفطر بفطره، وإذا لقي ربه فرح بصومه».

(هر کار ابن آدم برای خودش است مگر روزه، که آن برای من است و من جزا و پاداشش

را می دهم و روزه سپری است. پس اگر کسی از شما خواست روزه بگیرد فحش ندهد و خشمگین نشود و اگر کسی او را ناسزا گفت یا با او درگیر دعوا و مشاجره شد به او بگوید؛ من شخص روزه داری هستم و قسم به کسی که جان محمد در دست اوست بوی دهن روزه دار در نزد خداوند خوشبوتر است از بوی مسک و عنبر).

برای روزه دار دو خوشحالی است که روح و روان او را شاداب می کنند:

- ۱- هنگامیکه افطاری کند بخاطر افطارش خوشحال می شود.
- ۲- هنگامیکه پروردگارش را ملاقات می کند بخاطر روزه ای که گرفته بود خوشحال می شود.

اما خوشحالی روزه دار هنگام افطارش: وقتی است که نفسها میل دارند بسوی چیزهایی که از آنها منع شده اند از جمله خوردنیها، آشامیدنیها و شهوات نفسانی. روزه دار برای نزدیک شدن به خداوند شهواتش را ترک می کند بر طاعت و عبادتش می افزاید و به طرف او مبادرت می ورزد. و در شب که خلوتگاه بنده و پروردگارش است برمی خیزد و او را تسبیح می گوید. و در روز به امر پروردگارش آنچه را که او برای روزه دار حرام دانسته را ترک می کند و به آن بر نمی گردد مگر به امر پروردگارش. پس در هر دو صورت فرمانبرداری است و به همین علت از روزه گرفتن پی در پی در چند روز بدون طعام نهی کرده شده است.

پس اگر روزه دار تقرب بسوی خداوند را خواهان باشد باید بخورد و بیاشامد و شکر و سپاس پروردگارش را بجای آورد تا در درگاه پروردگارش مورد مغفرت و آمرزش قرار گیرد و شاید دعایش مستجاب شود همانطور که در حدیث آمده است: «برای روزه دار هنگام افطارش دعوتی است که رد نمی شود». (دعایی که مستجاب می شود).

اگر کسی در هنگام افطار نیتش بر این باشد که چیزی که می خورد و می آشامد در او نیرو و توان و انرژی بوجود آورد تا روز بعد بتواند روزه بگیرد و بتواند طاعت و عبادت کند برای او اجر و پاداشی نوشته خواهد شد حتی اگر او هنگام خواب - چه در شب و چه در روز- نیت کند به اینکه بعد از آن برای انجام طاعات و عبادات الهی نیرو بگیرد، خواب برایش

عبادت محسوب می شود.

پس در اینصورت روزه دار شب و روزش عبادت است و دعایش در هنگام روزه مستجاب خواهد شد. همچنین در هنگام افطارش، پس او در روزه اش روزه دار صبور است و در شبش عبادت کننده و شکرگذار.

همانطور که گفته شده خوشحالی روزه دار هنگام افطارش از فضل و رحمت الهی است. چرا که خداوند در سوره یونس آیه ۵۸ می فرماید:

﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾.

ترجمه: (ای رسول من به مردم بگو شما باید منحصرأ بفضل و رحمت خداوند شادمان شوید که آن بهتر و مفیدتر از ثروتی است که برای خود اندوخته می کنید).

و شرط آن اینست که چیزی که با آن فطار می کند حلال باشد و اگر بر چیزی که خداوند آن را حرام کرده افطار کرد خداوند دعایش را استجابت نمی کند همانطور که رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - می فرماید.

«يُمد يدية إلى السماء: يا رب يارب، ومطعمه حرام ومشربه حرام، وملبسه حرام، وغذى بالحرام، فأنى يستجاب لذلك». (بروایت مسلم)

ترجمه: (دستانش را بسوی آسمان دراز می کند و زاری می کند که ای پروردگار من... ای خدای من، در حالیکه غذای حرام خورده، حرام نوشیده، حرام پوشیده و از حرام سیر شده، پس چگونه دعایش پذیرفته شود؟!)

فضیلت‌های ماه رمضان و روزه اش

۱- از برتری‌هایی که ماه رمضان بر ماه‌های دیگر دارد این است که در آن قرآن کتاب جاویدان الهی همراه با دلایل روشنش بر بشریت نازل شده است.

۲- در آن شیطانها زندانی می شوند و درهای آتش بسته و درهای بهشت باز می گردد، همانطور که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: «إذا جاء رمضان ففتح أبواب الجنة، وغلقت أبواب النيران، وصدت الشياطين».

۳- شب قدر در این ماه است و آن نیز از هزار ماه بهتر است. کسی که از آن محروم

گردد تو گویی که از همه ماه مبارک محروم مانده است.

۴- روزه دار در این ماه با روزه اش غفران و آمرزش الهی را بدست می آورد همانطور که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می فرمایند: «من صام رمضان إيماناً واحتساباً غفرله ما تقدم من ذنبه». ترجمه: کسی که رمضان را با ایمان خالص روزه گرفت و اجر و پاداشش را فقط از خداوند خواست، خداوند از گناهان پیشین او در می گذرد.

۵- با زنده داشتن شبها در طاعت و عبادت پروردگارش به آمرزش و مغفرت او دست می یابد، همانطور که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرمایند: «کسی که شب رمضان را با ایمان خالص بر پا داشت و طلب اجر و پاداشش را فقط از خداوند خواست گناهان پیشینش بخشیده می شوند». و همچنین در آخر شبهای رمضان گناهان روزه دار بخشیده می شود.

۶- رسول الله -صلی الله علیه وسلم- خبر دادند که خداوند متعال آزاد ورها می کند بندگان گنه کارش را از آتش در تمام شبهای ماه مبارک رمضان.

۷- برای روزه دار هنگام افطارش دعایی ست که رد نمی شود.

۸- فرشتگان برای روزه دار تا وقتی که افطار می کند استغفار می کنند.

۹- هر روز بهشتش را زینت می دهد و می فرمایند: «رنج و سختیها و چیزهای آزار دهنده دور می شوند از بندگان صالح من و بزودی بسوی من می آیند».

۱۰- پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می فرمایند: «عمره در رمضان مساوی با ثواب حج است».

۱۱- بوی دهن روزه دار در نزد خداوند متعال خوشبوتر است از بوی مسک.

۱۲- خداوند جهنمیان را در تمام شبهای رمضان از آتش جهنم می رها کند.

۱۳- شیاطین زندانی می شوند.

۱۴- در ماه مبارک رمضان درهای بهشت باز می شوند و درهای آتش دردناک دوزخ بسته می شوند.

حکم و فوائد روزه ماه مبارک رمضان

حکم:

تعریف روزه: خودداری کردن از خوردنیها و آشامیدنیها از طلوع فجر تا غروب خورشید. و این فرض ثابتی است در قرآن کریم و سخنها پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- اگر کسی منکر چنین فرضی شود او مرتد کافری است که باید توبه کرده اقرار به فرض بودنش نماید و إلا کشتش واجب است.

باید روزه رمضان با دیدن حلال ماه یا با اتمام ۳۰ روز کامل ماه شعبان صورت گیرد و در اثبات دیدن ماه شخصی عادل و راستگو کافی است.

ابن قیم رحمه الله می فرماید: روش پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- بر این بود که ماه مبارک رمضان را با دیدن هلال آن ماه شروع می فرمودند و یا با به اثبات رسیدن آن از شهادت انسانی درست و با ایمان. که یکبار با شهادت فرزند عمر و بار دیگر با شهادت و گواهی مردی روستایی که به او اعتماد داشتند روزه گرفتند. و اگر چنانچه هلال رمضان را نمی دیدند و کسی هم گواهی و شهادت به دیدن آن نمی داد و یا هوا ابری بود در اینصورت امر می فرمودند که سی روز ماه شعبان را تمام کنند سپس روزه ماه مبارک رمضان را شروع کنند.

از شیخ ابن باز سوال شد: در بعضی کشورهای اسلامی مردم به تقویمها اکتفا می کنند بدون اینکه هلال ماه را ببینند پس حکم این چیست؟

جواب دادند: رسول الله -صلی الله علیه وسلم- امر کردند که مسلمانان با دیدن هلال ماه روزه بگیرند و با دیدنش افطار کنند، و اگر هوا ابری بود بر آنها کامل کردن ۳۰ روز ماه شعبان واجب می شود.

احادیث زیادی در این مورد آمده است که همه شان دلالت می کند بر اینکه دیدن ماه و یا کامل کردن تعداد روزهای ماه شعبان در هنگامی که ماه دیده نشود واجب است و بر هر شخصی نمی توان اعتماد کرد مگر اینکه انسانی عادل و راستگو و مورد اعتماد مردم باشد.

فوائد روزه

- ۱- روزه راهی است بسوی تقوا و پرهیزکاری همانطور که خداوند متعال می فرماید:
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾. [البقرة: ۱۸۳]. ترجمه: «ای اهل ایمان بر شما هم روزه داشتن فرض گردید چنانکه بر ملت‌های پیشین و امت‌های گذشته فرض شده بود و این دستور برای آنست که شما پرهیزکارو با تقوا شوید».
- ۲- روزه باعث پاک کردن از تمام چیزهای باطل می شود رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرمایند: «من لم يدع قول الزور والعمل به والجهل، فليس لله حاجة في أن يدع طعامه وشرابه». (بروایت بخاری).
- ترجمه: (کسی که از دروغ و زورگویی و کارهای ناشایست و عصبانیت و آزار و اذیت مردم دست نمی کشد خداوند را به پرهیز و دوری از خورد و نوشش هیچ ضرورت و حاجتی نیست).
- ۳- و از فوایدش اینست که شهوت را ضعیف می کند و صبر را زیاد می کند و اراده را قوی می کند، همانطور که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- جوانانی را که توانایی ازدواج ندارند را امر کردند که روزه بگیرند.
- ۴- و از فواید دیگرش اینست که مردم را به اتحاد و دوستی، عدل و عدالت، برابری و ایثار، فداکاری، بذل و بخشش و کمک کردن به فقرا و مساکین عادت می دهد.
- ۵- از فواید دیگرش: صحت و سلامتی انسان و روده ها و اصلاح کردن معده و پاک کردن بدن از چیزهای که باعث ضرر برای بدن انسان می شود است.
- ۶- و از دیگر فوایدش این است که قلب را مشغول به چیزهایی که او را به سعادت و خوشبختی سوق می دهد می کند و از زشتیها و گناهان خالی می کند و به ذکر و عبادت و تلاوت قرآنش می خواند.
- ۷- و از فواید دیگر آن است که مجرای خون را تنگ می کند (مجرای که از آن شیطان وارد بدن انسان می شود) و نفس انسان را آرامش و تسکین می دهد و ذهنش را راحت می کند و وسواس و خیال را از او دور می کند و فقط او را متوجه پروردگارش می سازد.

راه و روش پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در رمضان

از امام ابن قیم است که می فرمایند: از سلوک پیامبر - صلی الله علیه وسلم - این بود که در ماه رمضان زیاد عبادت می کردند و جبرئیل علیه السلام به ایشان درس می دادند. و ایشان در ماه رمضان بهترین مردمان بودند در صدقه دادن، احسان، نیکی کردن به مردم، تلاوت قرآن و نماز از بهترین مردمان بودند، و ذکر و اعتکاف و تمام چیزهای که اختصاص به ماه مبارک رمضان داشت را زیاد انجام می دادند و کارها و عبادتهای بسیار زیادی را به این ماه اختصاص می دادند که در ماههای دیگر انجام نمی دادند.

چه چیز برای روزه دار شایسته و چه چیز واجب است؟

سوال: چه چیز شایسته روزه دار است و چه چیز واجب است برایش که باید آن را انجام

دهد؟

جواب: برای روزه دار شایسته است که بیفزاید بر طاعات و عباداتش و از خود همه کارهای حرام را دور کند، و نمازهای پنجگانه را در وقتشان با جماعت بخواند و دروغ و غیبت و گول زدن و معاملات ربا (حرام) و هر کار و گفته ای که انجام دادنش حرام است را ترک کند. همانطور که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرمایند: «من لم یدع قول الزور والعمل به والجهل فلیس لله حاجة فی أن یدع طعامه وشرابه». (به روایت البخاری)

ترجمه: (کسی که از دروغ و زورگویی و کارهای ناشایست و عصبانیت و آزار و اذیت مردم دست نمی کشد خداوند را به پرهیز و دوری از خورد و نوشش هیچ ضرورت و حاجتی نیست).

روزه و تربیت نفس

کسی که نزدیکی بسوی خداوند را می خواهد باید از خوردنیها، آشامیدنیها و از شهوات دوری کند.

فوائد:

۱- شکسته نفسی؛ سیر بودن شکم انسان و مباشرت با زنان او را از خداوند غافل می

کند.

۲- خالی کردن قلب از مشغولیتها و فکرهای بیهوده؛

انجام دادن خواهشهای نفسانی باعث سنگدلی می شود و بین بنده و پروردگارش جدای می افکند و این باعث ضعف ایمان و سوق دادن غفلت بسوی او می گردد.

خالی بودن شکم از خوردنیها و آشامیدنیها قلب را نورانی، انسان را فروتن، غرور او را درهم می شکند و او را بسوی ذکر و یاد خدا رهنمون می سازد.

روزه مجاری خون را که مجراهای ورود شیطان هستند در جسم انسان تنگ می کند و باعث تسکین و آرامش خاطر در انسان می شود و وسوسه های شیطانی را از او دور می سازد و همچنین شهوت غضب را در چشمش از بین می برد و برای همین رسول الله -صلی الله علیه وسلم- روزه را سپری برای شکستن شهوت نفسانی قرار داده اند.

پس ای انسان بدان که:

مگر با ترک کردن شهوتهای نفسانی و چیزهای که خداوند در همه حال حرام دانسته مانند دروغ، ظلم، تجاوزکردن بر مردم در خونها، مالها و ناموسهایشان نمی توانی به خداوند نزدیک شوی.

چرا که در این مورد پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می فرمایند: «کسی که از دروغ و زورگویی و کارهای ناشایست و عصبانیت و آزار و اذیت مردم دست نمی کشد خداوند را به پرهیز و دوری از خورد و نوشش هیچ ضرورت و حاجتی نیست».

جابر علیه السلام گفت: اگر روزه گرفتی نه تنها دهننت بلکه همراه آن گوش، چشم و زبانت را از دروغ و حرامها مبرا ساز، و از همسایه آزاری نیز دوری کن و سعی کن که وقار و متانت داشته باشی در روزی که روزه ای، و بین روزی که روزه ای و روزی که روزه نیستی فرق مگذار.

بدرستی که نزدیکی بسوی خداوند متعال با ترک کردن کارهای مباح حاصل نمی شود مگر بعد از دوری و ترک کردن حرامها.

پس کسی که مرتکب کار حرامی شد و بعد از آن خواست با ترک کردن کارهای مباح به خداوند نزدیک شود مثل کسی که فرائض را ترک می کند و می خواهد با نوافل به خداوند

نزدیکی جوید.

البته چنین کسی روزه اش از نظر جمهور علماء جائز است و به اینکه دوباره روزه بگیرد، امر نمی شود.

درمسند امام احمد است که:

روزی دو زن در زمان پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- روزه گرفتند و نزدیک بود که از تشنگی بمیرند. بمردم این موضوع را به پیامبر -صلی الله علیه وسلم- رساندند اما ایشان اهتمام ندادند. سپس دوباره به اطلاع ایشان رساندند این بار پیامبر -صلی الله علیه وسلم- آنها را خواست و به آنها گفت که استفراغ کنند آنها چرک و خون و گوشتهای جویده شده را استفراغ کردند.

رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: این دو زن از چیزهای که خداوند حلال کرده بود روزه گرفتند و اما با چیزی که خداوند برایشان حرام کرده بود افطار کردند. (باغیبت کردن خود را از پاداش روزه محروم ساختند روزه شان را باطل کردند).

آداب روزه و سنتهایش

در روزه چیزهای هست که واجب اند و چیزهای است که مستحب اند:

۱- حرص؛ حرص و طمع در خوردن سحری و تأخیر کردن در آن تا جزء آخر از شب، تا نزدیکی طلوع فجر، چرا که پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «سحری بخورید چرا که در سحری برکت است».

۲- تعجیل؛ عجله کردن در افطار هنگامیکه خورشید غروب می کند همانطور که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می فرمایند: «تا روزی که مردم در خوردن افطار عجله کرده، افطار را به تأخیر نیندازند در آنها خیر و نیکیهایی بسیاری است».

۳- دوری کردن از دشنام دادن و سخنهای دروغ و ناسزا و ناروا و همه کارهای حرام دیگر همانطور که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می فرمایند: «اگر روزی کسی از شما روزه بود دشنام ندهد حتی اگر کسی به او حرف ناروای گفت یا با او درگیر شد بگوید من شخص

روزه داری هستم».

- ۴- با خرما افطار کند اگر نیافت با آب افطارش را شروع کند.
- ۵- وقتی که روزه است به چیزی که دوست دارد دعا کند چرا که دعای روزه دار رد نمی شود.
- ۶- پر خوری نکردن در افطار وسحر واکتفا کردن به اندازه ای که بدن احتیاج دارد.
- ۷- صدقه زیاد دادن و به بینوایان غذا دادن چرا که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در رمضان سخاوتمند ترین و بخشنده ترین مرد در خوبی بودند.
- ۸- تلاوت قرآن و تحقیق و پژوهش همانطور که جبرئیل قرآن را در ماه رمضان به پیامبر -صلی الله علیه وسلم- درس می دادند.
- ۹- خواندن نماز تراویح در مسجدها و به اتمام رساندن نماز همراه امام.
- ۱۰- فزودن بر عبادت در ۱۰ روز آخر ماه مبارک رمضان (شبهای لیلۃ القدر).
- ۱۱- اعتکاف در ۱۰ روز آخر از رمضان.

خوابیدن ساعت‌های طولانی از روز

س: اگر شخصی تمام روز را بخوابد و فقط برای نمازهای فرض بیدار شود حکمش روزه اش چیست؟

ج: این سوال در برگیرنده دو صورت است؛ در حالت اول شخص در طول روز می خوابد و بیدار نمی شود و این جنایتی است بس بزرگ که بر خود و روا داشته نزد خداوند عزوجل به تأخیر انداختن نمازها از وقتشان محاسبه می شود، پس باید بسوی خداوند عزوجل توبه کند و نمازش را در سر وقتش همانطور که به او امر شده است ادا کند. اما صورت دوم؛ و آن در حالی است که بلند می شود و نمازهای فرض را در وقت‌هایشان بهمراه جماعت بجای می آورد و این گناهی ندارد ولی خیلی از کارهای خوب را از دست می دهد چرا که روزه دار باید خود را در روزه اش با نماز خواندن، ذکر گفتن و دعا کردن و قرائت قرآن مشغول کند تا در روزه اش عبادتهای زیادی را جمع و ذخیره کند.

ترک کردن نماز روزه دار!

س: حکم کسی که روزه می گیرد ولی نمازش را ترک می کند چیست؟
ج: کسی که نمازش را از روی عمد ترک کند کافر و مرتد می شود و آن کفر بزرگی است و روزه اش همراه با بقیه عباداتی که انجام می دهد درست نیست تا اینکه بسوی خداوند عزوجل توبه کند همانطور که در سوره انعام آیه ۸۸ می فرماید: ﴿وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾.

ترجمه: «و اگر به خدا شرک آوردند اعمال آنها را نابود می سازد».

بدون عذر روزه نگرفتن

س: حکم کسی که در رمضان بدون عذر روزه نمی گیرد و منکر واجب بودنش هم نیست چیست؟

ج: کسی که در رمضان از روی عمد و بدون عذر شرعی روزه نگیرد یکی از گناهان کبیره را انجام داده است و به آن کافر نیست البته همراه بحا آوردن قضایش باید بسوی خداوند متعال توبه کند و دلیلهای زیاد است بر اینکه ترک کردن روزه در صورتیکه منکر واجب بودنش نشده باشد کفر نیست.

بنده رمضان!

س: حکم کسی که روزه می گیرد و نماز را فقط در رمضان می خواند اما وقتی که ماه رمضان به پایان می رسد نماز و روزه اش را ترک می کند چیست؟

ج: نماز رکنی است از ارکان اسلام، بلکه بزرگترین رکنهاست، بعد از شهادتین (أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً رسول الله)، و از فرضهای عین است و کسی که و منکر واجب بودن آن شود و آنرا ترک کند و همچنین اگر ترکش از روی تنبلی کند، کافر محسوب می شود. اما کسانی که فقط در ماه رمضان روزه می گیرند و نماز می خوانند در واقع خودشان را گول می زنند در حالیکه گمان می برند که خداوند را گول می زنند!!!
و برای چنین کسانی عذاب بزرگی است چرا که آنها خدا را فقط در رمضان می شناسند.

خوردن در وقت اذان صبح

س: حکم شرعی کسی که در حالیکه که اذان صبح را می شنود خوردن سحری را ادامه می دهد چیست؟

ج: بر مؤمن واجب است که هنگامیکه طلوع صبح برایش روشن و آشکار شد خوردنیها و آشامیدنیها را ترک کند چرا که خداوند در سوره بقره آیه ۱۷۸ می فرماید:

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾.

ترجمه: (بخورید و بیاشامید تا آنگاه که خط سفیدی روز از سیاهی شب در سپیده دم پدیدار گردد، پس از آن روزه را شب).

اگر اذان صبح را شنید و فهمید که آن اذان صبح است واجب است که خود داری کند ولی اگر مؤذن قبل از طلوع صبح اذان داد واجب نیست که خوداری کند و خوردن و نوشیدن تا اینکه فجر آشکار و روشن شود مجاز است برایش ولی اگر نمی دانست که مؤذن قبل از فجر اذان داده است یا بعد از فجر بهتر است که از خوردن و آشامیدن با شنیدن صدای اذان دست کشید و اگر هنگام اذان چیزی خورد و یا نوشید اشکالی ندارد برای اینکه وقت طلوع فجر را نمی داند.

بلعیدن آب دهن

س: حکم بلعیدن آب دهن برای روزه دار چیست؟

ج: آب دهن روزه را ضرر نمی رساند پس بلعیدن آن اشکالی ندارد و اگر هم تف کرد اشکالی ندارد، ولی اگر آب دهن غلیظ شد (بلغم) بیرون انداختن و بلعیدنش واجب است.

مسواک در روز

س: کسی که از استفاده کردن مسواک در روزهای رمضان خود داری می کند.

ج: در مورد خودداری کردن از مسواک در روزه رمضان، یا غیر از آن، در روزهای که انسان روزه می گیرد دلیل خاصی وجود ندارد. و مسواک کردن سستی است که روزه را باطل نمی کند مگر در صورتی که طعم و مزه دهد و یا اثری از آن باقی بماند، البته نباید شخص

روزه دار آن را ببلعد، و اگر خون از لثه اش با مسواک زدن خارج شد باید که آن را ببلعد. و اگر از مسواک زدن خودداری کرد به روزه اش هیچ ضرری نمی رساند.

خمیر دندان و قطره

س: حکم استفاده کردن خمیر دندان، قطره گوش، چشم، بینی برای روزه دار چیست؟
ج: تمییز کردن دندانها با خمیر دندان روزه دار را باطل نمی کند و البته باید که از رفتن چیزی به حلقش، دوری کند ولی اگر بدون عمد به حلقش رفت روزه اش باطل نمی شود.

وارد شدن آب به حلق از روی عمد

س: اگر روزه دار مزه مزه کرد یا استنشاق کرد و آب داخل حلقش بدون قصد رفت آیا روزه اش باطل می شود؟

ج: اگر روزه دار مزه مزه کرد یا استنشاق کرد و آب داخل حلقش بدون عمد رفت روزه اش باطل نمی شود برای اینکه این کار از روی عمد نبوده، خداوند متعال در سوره احزاب آیه ۵ می فرماید:

﴿وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ﴾

ترجمه: «اما آن کار زشتی که به عمد و با اراده قلبی می کنید بر آن گناه مواخذه می شوید».

جنب - استفراغ - خون

س: روزی روزه بودم و بعد از اینکه نماز خواندم در مسجد خوابیدم وقتی بلند شدم دیدم که من جنب شده ام آیا روزه ام با جنب شدن باطل می شود؟ و یکباری دیگر سنگی به سرم خورد و از آن خون آمد آیا باید بخاطر آن خون افطار کنم؟ و آیا استفراغ روزه را فاسد می کند؟

ج: جنب شدن روزه را فاسد نمی کند برای اینکه به اختیار انسان نیست ولی باید که غسل جنابت بجای آورد.

وسنگی که به سرت برخورد کرد و خون از آن جاری شد روزه را باطل نمی کند. و هنگامیکه بدون اختیارت استفراغ کردی روزه ات باطل نمی شود. همانطور که رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «من ذرعه القیء فلا قضاء علیه، ومن استقاء فعليه القضاء».

کسی که خود بخود استفراغ کرد بجای آوردن قضاء روزه بر او واجب نیست ولی اگر کسی از روی عمد استفراغ کرد باید قضایش را بجای آورد.

س: آیا هنگامیکه منی به دلیلی از بدن خارج شد بر روزه دار باید که افطار کند یا نه؟
ج: در صحیحترین قول علما است که روزه دار با خارج شدن منی می تواند افطار نکند.

استفاده از بوی خوش

س: حکم استعمال کردن روزه دار از عطرهاى خوشبو در روزه رمضان چیست؟
ج: استفاده کردن از عطر و خوشبوئی در روزهای ماه مبارک رمضان اشکالی ندارد، مگر عطرها و خوشبوئیهایی چون بخور که گاز آن به معده می رسد.

از جمله چیزهایی که علما استعمالشان را در روز رمضان جایز دانسته اند

- اکسیژن دادن به بیمارانی که دارای مرض ریه هستند.
- استفاده کردن سرمه در شب بهتر است برای روزه دار.
- واکسنی که برای تغذیه نیست و دررگها و عضله ها استفاده می شود و همچنین آزمایش خون گرفتن.
- استفاده کردن از سرم غذایی در زمان حاجت و نیاز بخاطر عدم شباهتش به خوردنیها و آشامیدنیها.
- چشیدن غذا در زمانی که لازم شد برای اینکه فقط بر روی زبان قرار می گیرد و فقط برای تشخیص دادن شیرینی ویا مزه اش است البته این در صورتی است که نباید چیزی از آن را بلعید.
- خوردن و آشامیدنی که از روی فراموشی باشد روزه را باطل نمی کند ولی اگر

بیادش آمد باید چیزی را که در دهنش است بیرون کند.

- **بوسیدن زن** در هنگام روزه اشکال ندارد به شرط اینکه باعث برانگیختن شهوت و ریختن منی نشود.

راه و روش پیامبر در روزه

ابن قیم می گوید: پیامبر -صلی الله علیه وسلم- قبل از اینکه نماز بخوانند افطار می کردند و از راه و روششان این بود که وقتی که از روی فراموشی چیزی را می خوردند و یا می نوشیدند قضایش را بجای نمی آوردند. و مسواک می زدند در حالی که روزه دار بودند. همچنین مزمه و استنشاق می کردند در حالی که روزه دار بودند البته روزه دار را از تکرار آن منع می کردند.

تشویق کردن بچه ها به روزه در رمضان

س: آیا واجب است که کودک روزه بگیرد و اگر در طول روز به سن بلوغ رسید روزه اش باطل می شود؟

ج: هنگامی که کودکان چه پسر و چه دختر به سن ۷ سالگی رسیدند باید به آنها امر شود که روزه بگیرند تا عادت کنند و باید والدینشان آنان را به روزه و نماز امر کنند و اگر در طول روز به سن بلوغ برسند روزه شان قبول می شود مثلاً اگر پسری ۱۵ سالش را تمام کرد و در وسط روز احساس کرد به سن بلوغ رسیده در حالی که روزه دار بود روزه اش قبول است البته در اول روز نفل حساب می شود و در آخر روز فرض، یعنی بعد از اینکه به سن بلوغ رسید فرض حساب می شود.

چیزهای که روزه را باطل می کنند

فاسد کننده های روزه ۷ تا هستند:

۱- جماع: پس وقتی روزه روزه دار با جماع فاسد می شود چه در یکی از روزهای رمضان باشد، یا در روزه ای که بر او واجب است و باید که کفاره اش را انجام دهد و اگر

نتوانست باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد. باید ۶۰ مسکین را غذا دهد.

۲- ریختن منی با مباشرت و یا بوسیدن و مانند اینها.

۳- خوردن و آشامیدن از راه دهان و بینی.

۴- چیزیکه به معنی خوردن و آشامیدن است مثل سرم غذائی.

۵- خارج شدن خون بوسیله سرم.

۶- استفراغ از روی عمد.

۷- خارج شدن خون حیض و نفاس.

کسانی که خوردن روزه در رمضان برایشان مباح است

- مریضی ای روزه داشتن برایش ضرر دارد.
- شخص مسافر، اگر روزه اش را نگیرد برایش بهتر است البته پس، از تمام شدن ماه مبارک رمضان بر او واجب است که قضایش را بجا آورد و اگر روزه گرفت برایش پاداشی است در نزد خداوند همانطور که در سوره بقره آیه ۱۸۴ می فرمایند:
﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾.
ترجمه: «هر کسی از شما مریض باشد یا مسافر به شماره آن از روزهای غیر ماه رمضان روزه بگیرد».

- کسانی که حیض اند و یا نفاس روزه شان را بخورند و قضایش را بجای آورند و اگر روزه گرفتند برایشان جزا و پاداشی نیست و بایستی قضا بجای آورند.
- زن حامله و یا شیرده اگر ترسید که به بچه اش ضرری وارد شود روزه اش را بخورد و قضایش را بجای آورد.
- کسی که بخاطر پیری یا مریضی نمی تواند روزه بگیرد و روزه باعث عدم شفا و یا طولانی شدن بیماریش می شود روزه اش را بخورد و باید بجای هر روز مسکینی را غذا بدهد.
نظریه برخی از علما و فقها بر این قرار است که:
۱- پیرمردی که به درجه ناتوانی رسیده باشد بر او نه روزه و نه قضایش و نه کفاره اش هیچ کدام بر او واجب نیست.

۲- کسی که احتیاج دارد که در مواقع خیلی ضروری روزه اش را بخورد مثلاً برای نجات دادن مسلمانی از غرق شدن یا سوختن و... چنانکه مگر با خوردن روزه اش نمی تواند کمک کند.

۳- کسی که تشنگی و گرسنگی بر او غلبه کرد تا جایی که ترسید هلاک شود.

۴- کسی که از ترس جانش مجبور شد که روزه اش را بخورد اشکالی ندارد ولی بعداً قضایش را بجای آورد.

حکم روزه برای کسی که مریض است و امید به شفایش نیست

س: حکم مریضی که به بیماری سل دچار شده و روزه گرفتن در ماه رمضان برایش مشکل است و می داند که اگر روزه بگیرد امیدی به شفایش نخواهد بود چیست؟

ج: اگر این مریض نیرویش به اندازه ای نبود که روزه بگیرد و با روزه گرفتن امیدی به شفایش نبود بر او واجب است که بجای هر روزی که روزه نگرفته مسکینی را غذا بدهد یعنی نصف صاع خرما یا برنج و مانند اینها یا از چیزی که خانواده اش استفاده می کند بدهد. مانند پیرمردان بزرگ و ناتوان و سالخوردگانی که روزه گرفتن برایشان مشکل است.

حکم روزه خوردن کارگر

س: آیا جایز است خوردن روزه برای کارگری که زیاد کار می کند؟

ج: برای کسی که به سن تکلیف رسیده است جایز نیست که در رمضان به خاطر این که کارگر است روزه نگیرد ولی اگر زیاد برایش مشکل بود و مجبور بود که افطار کند به همان اندازه که ناتوانی اش برطرف گردد افطار کند سپس روزه اش را نگه دارد تا غروب و با مردم افطار کند سپس قضایش را بجای آورد.

زنی که بلافاصله بعد از فجر پاک شود

س: اگر زنی بلافاصله بعد از فجر پاک شود آیا روزه اش را نگه دارد و یا روزه بگیرد. و آیا این روزبرایش را حساب می شود یا باید که قضای آن روز را بجای آورد؟

ج: اگر خون در طلوع فجر یا کمی قبل از آن قطع شد روزه اش صحیح است و ادای فرض شده است حتی اگر تا پس از طلوع خورشید غسل نکرده بود، اما اگر خونش بعد از روشن شدن صبح قطع شد در آن روز روزه اش را بگیرد، و باید قضایش را بعد از رمضان بجا آورد و فرضش ادا نشده. البته خداوند داناتر و آگاهتر است.

خوردن قرصهایی که برای منع حیض در رمضان استفاده می شوند

س: حکم خوردن قرصهای که مانع حیض برای زنان می شود؟

ج: خداوند عزوجل حیض را برای دختران آدم قرار داده است و برای این دوره ماهانه حکمی را ایجاد کرده است پس اگر زنی حیض شود از روزه و نماز خود داری کند و اگر پاک شد و اجباتش از جمله روزه و نمازش را ادامه دهد و اگر رمضان تمام شد قضای روزهای که از دست داده است را بجای آورد.

بطور واضحتر نباید با خوردن قرص استفاده از دارو فطرت خلقت را بر هم زد، بخصوص که این کار ضررهایی را برای زن در بردارد.

حکم تأخیر قضای رمضان

س: آیا تأخیر انداختن قضای روزه رمضان تا فصل زمستان جایز است؟

ج: باید فوراً قضای روزه رمضان بجای آورده شود البته، اگر عذری نداشته باشد، مانند حوادثی ناگهانی یا مریضی یا سفر و یا موت. و تأخیر کردن در آن بدون سبب جایز نیست ولی اگر کسی آنرا به تأخیر انداخت تا در زمستان که روزها کوتاه است روزه بگیرد اشکالی ندارد و روزه از او ساقط می شود. اما باید توجه داشت که فطر از دست دادن این فرصت با بیماری و شاید مرگ وجود دارد.

نماز تراویح

قیام شب در رمضان قیامی است که با جماعت خوانده می شود و وقتش بعد از عشاء شروع شده تا طلوع فجر ادامه دارد، و رسول الله -صلی الله علیه وسلم- به نماز در شب

رمضان رغبت زیادی داشتند، همانطور که می فرمایند: «من قام رمضان ايمانا واحتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه».

«کسی که قیام کرد در رمضان با ایمان خالص و امید پاداش از پروردگارش گناهان پیشینش بخشیده می شوند».

در مورد تعداد رکعتهای نماز تراویح اختلافاتی در بین مردم بروز کرده که متأسفانه جهل و تعصب برخی را بر آن داشته که در مسجد که خانه خداست روی هم بپرند و یا بر روی یکدیگر صدایشان را بلند کنند.

باید دانست که اساساً نماز تراویح سنت است و ترک آن گناه نیست. ترک آن باعث محرومیت از اجر و پاداش طاعت و عبادت قیام اللیل همراه با محرومیت از ثواب و پاداش عمل کردن به سنت پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- است. و اتحاد مسلمانان واجب و فرض است پس نباید ما بخاطر بجا آوردن سنتی فرض و واجب الهی را زیر پا نهیم.

• روایتی که به پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- می رسند بر این اشاره دارند که پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- بر قیام الیل تأکید فراوان می کردند و همچنین اشاره های صریحی است که ایشان هشت رکعت نماز تراویح همراه با سه رکعت نماز وتر می گذاردند. یعنی در مجموع ۱۱ رکعت.

• در روایات صحیحه نیز آمده که مردم در زمان حضرت عمر و عثمان و علی رضی الله عنهم بیست (۲۰) رکعت تراویح بجای می گذاردند که بیشترین فقهاء از جمله حنفیها و حنبلیها و شافعیها و داود ظاهری و سفیان ثوری و ابن مبارک بر این رأیند.

• امام مالک عدد تراویح را به ۳۶ رکعت بدون وتر می رساند.

• امام ابن حبان می گویند که تراویح اول ۱۱ رکعت با قرائتی طولانی بود سپس چون مردم احساس خستگی می کردند آنرا به ۲۰ رکعت با قرائت متوسط رساندند سپس آنرا به ۳۶ رکعت با قرائت کوتاه رساندند تا برایشان راحت باشد.

• با توجه به روایتهای صحیحی که بدان دست یافتیم در می یابیم که تراویح فرض نبوده و انسان در ادای آن آزادانه می تواند اجتهاد کند و ما در جمع بین حدیثهای وارده به این نتیجه رسیده ایم که:

اولاً: سنت ادای تراویح ۸ رکعت است. پس نباید بر کسی که ۸ رکعت ادا می کند خرده گرفت یا او را تحقیر کرد.

ثانیاً: در صورت ادای ۲۰ و یا ۳۶ رکعت ۸ رکعت سنت مؤکده بوده و رکعت‌های بعدی از جمله نوافل است که نمی توان ادای آنرا بدعت شمرد و بر کسانی که آنرا بصورت فردی و یا جماعت ادا می کنند خرده گرفت. چرا که صحابه پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- آنرا ادا کرده اند.

رمضان ماه عبادت و طاعت است و می بایستی که دستها را بالا زد و همتها را بکار گرفت و تا در توان است نهایت بندگی و برده گی را در دربار الهی چه با انجام فرایض و واجبات و یا سنتها و چه با نوافل ثابت نمود. و اختلاف انگیزی و مشاجره در مساجد بدعت و گناه است، نه نماز گزاردن و طاعت پروردگارا! و می بایستی مردم را بحال خود رها کرد تا هر چه می توانند و بهر صورتی که قناعت دارند و در روایات هم ثابت است پروردگارشان را عبادت کنند نه اینکه مطابق فکر و اندیشه و یا فهم من و یا شما باشند.

در اینجا لازم می بینیم که برادران و خواهران خویش را به فراگیری احکام دین مبین اسلام دعوت دهیم چه که همه اختلافات و مشاجرات ریشه در جهل و نادانی و تعصب دارد. بیشتر امامان در هنگام نماز تراویح به نماز گزاران چندان توجهی نمی کنند و نماز را طولانی می خوانند و این کار اشتباهی است چرا که امام فقط برای خودش نماز نمی خواند بلکه هم برای خودش و هم برای دیگران می خواند.

لازم است که برنماز تراویح احترام زیادی گذاشته شود و در شبهای رمضان وقت خود را به اینکه از مسجدی به مسجد دیگری برود ضایع نکرد و اگر ادای نماز با امام کرد سعی کند که تا آخرش را بجا آورد.

همچنین نماز تراویح با حضور زنان در مسجد اشکالی ندارد البته به شرطی که از فتنه و آشوب در امان باشند و زنان با حجاب و بدون تبرج و خود آرائی و بوی خوش به مسجد بروند.

فتوهای که برای سحر و تراویح داده شده است

حکم نماز تراویح

س: آیا نماز تراویح فقط سنت است یا سنت موکده؟

ج: به همان صورتی که در بالا بدان اشاره شد سنت موکده است همانطور که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرمایند: کسی که قیام کرد در رمضان با ایمان خالص و امید پاداش از پروردگارش گناهانش بخشیده می شوند.

قرائت قرآن از روی قرآن در تراویح

س: حکم قرائت از روی قرآن در نماز تراویح چیست؟

ج: خواندن از روی قرآن در قیام رمضان یا گوش دادن و نگاه کردن مقتدیان از روی قرآن اشکالی ندارد و این در کتاب و سنت دلیل شرعی دارد که دلالت بر جایز بودن خواندن قرآن در نمازها است و از ام المؤمنین عائشه رضی الله عنه روایتی است که غلامی در حالیکه از روی قرآن می خواند امامت ایشان می داد. (به موطا امام مالک مراجعه شود).

س: حکم دعای قنوت در وتر و آیا ترک کردنش جایز است؟

ج: در وتر «قنوت» سنت است و اگر شخصی آن را در بعضی وقتها ترک کرد اشکالی ندارد. (در ضمیمه دعاهایی آورده ایم که می توانی در قنوت از آن استفاده کنی).

رفتن از یک مسجد به مسجد دیگر

س: آیا رفتن در هر شب از یک مسجد به مسجد دیگر بخاطر خوبی صدای امام جایز

است؟

ج: در این مسئله نمی توان حکم ثابت داد اما باید دانست که بهتر است انسان همیشه به آن مسجد و پشت آن امامی نماز گذارد که قلبش بیشتر و احساس اطمینان و آرامش می کند. البته چون در بیشتر مسجدها امامها سعی در ختم قرآن در تراویح دارند بهتر است انسان در یک مسجد بماند تا بتواند قرآن را بطور کامل از امام در نماز تراویح گوش گرفته از احکام آن بیش از پیش استفاده کند چه که پشمه جوشان قرآن خشک نشدنی و بی انتهاست.

بہتر است کہ تابع امام باشیم

س: در مورد کسی کہ با امام ۱۰ رکعت نماز می خواند وبعد منصرف می شود نظر شما چیست؟

ج: سنت است کہ نماز با امام تمام شود حتی اگر ۲۳ رکعت باشد همانطور کہ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرمایند کسی کہ نماز را از اول تا آخر با امام بر پا کرد خداوند برایش اجر وپاداش قیام اللیل رامی نویسد. حضرت عمر رضی الله عنه وصحابه ۲۳ رکعت نماز گزارند پس در آن هیچ عیب ونقصی وخللی نیست چرا کہ آن از سنت خلفای راشدین است.

س: اگر کسی در رمضان قبل از سحر با نیت سحری تاصبح خوابید آیا روزه ای کہ می گیرد صحیح است؟

ج: روزه اش صحیح است چونکہ سحری شرط صحیح بودن روزه نیست البتہ آن مستحب است چنانچہ کہ پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می فرمایند: «سحری کنید کہ در سحر برکت است».

س: مقصود برکت سحری کہ در حدیث آمده چیست؟

ج: مراد از برکت سحر برکت شرعی وجسمی وبدنی است، اما برکت شرعی یعنی پیروی کردن از امر رسول الله -صلی الله علیه وسلم- وبرکت بدنی یعنی تغذیہ بدنی یعنی تغذیہ کردن بدن وقوی کردن آن برای روزه.

س: آیا ختم کردن قرآن در ماه رمضان واجب است؟

ج: ختم کردن قرآن در ماه رمضان برای روزه دار امری واجب نیست وبرای انسان اما لازم است کہ در رمضان قرآن را ختم کند چون از سنت رسول الله -صلی الله علیه وسلم- است کہ در این ماه پیامبر -صلی الله علیه وسلم- از حضرت جبرئیل علیه السلام تمام قرآن را درس می گرفتند.

س: آیا قیام اللیل فقط باید در رمضان باشد یا در همه روزهای سال؟ واز چه ساعتی شروع می شود آیا فقط قیام نماز است ویا نمازو قرائت قرآن کریم؟

ج: قیام اللیل با نماز و تهجد سنت است و فضیلتش این است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- واصحابشان همیشه آن را انجام می دادند.

خداوند متعال در سوره مزمل آیه ۲۰ می فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ﴾ .

ترجمه: «خدا به حال تو آگاه است که تو جمعی هم از آنان که با تو اند اغلب نزدیک تو ثلث یا نصف یا (لااقل) ثلث شب را همیشه به طاعت و نماز می پردازی». و این اختصاص به ماه رمضان ندارد و وقتش بین عشاء و صبح است ولی در آخر شب بهتر است و اگر در وسط شب نماز خواند برایش اجر و پاداش است والله اعلم.

ده روز آخر ماه رمضان

در صحیح بخاری و مسلم آمده است که حضرت عائشه رضی الله عنها فرمودند: رسول الله -صلی الله علیه وسلم- هنگامیکه ۱۰ روز آخر رمضان می شد زیاد عبادت می کردند و شبها بیدار بودند و خانواده اش را نیز بیدار می کردند.

در روایت مسلم آمده است که حضرت عائشه رضی الله عنها می فرمودند: رسول الله -صلی الله علیه وسلم- همیشه سخت در طاعت و عبادت غرق بودند و در رمضان و بر طاعت و عبادتش بیش از روزهای دیگر می افزودند.

حافظ ابن رجب گفت که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- ۱۰ روز آخر رمضان را اختصاص می دادند به کارهای که در ماههای قبل انجام نداده اند.

۱- شب بیداری، منظور از آن اینست که در تمام شب مشغول به عبادت بودند.

۲- پیامبر -صلی الله علیه وسلم- بیدار می کردند خانواده ایشان را برای نماز در ده شب آخر رمضان اما در شبهای دیگر نه.

۳- رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در شبهای قدر زیاد عبادت می کردند.

۴- اعتکاف.

اعتکاف

در صحیح بخاری و مسلم آمده است عائشه رضی الله عنها می فرمودند پیامبر -صلی الله علیه وسلم- در ۱۰ روز آخر از رمضان در اعتکاف می نشستند. خود را با مناجات و ذکر و دعا مشغول می ساختند و خود را با مردم مشغول نمی ساختند و در خلوت اعتکاف می گرفتند. معتکف کسی است که خودش را تمام وقت مشغول طاعت و عبادت می کند و از کارهای که قبلاً به آن مشغول بوده دوری می کند .

ای برادر و خواهر معتکف:

- نماز را به بهترین وجه با خشوع و فروتنی و خضوع بجای آور و آن را در اول وقت با جماعت ادا کن چرا که قیمت تو به انجام دادن کارهای صالح و فرضها به بهترین وجه است.
 - خود را به تلاوت قرآن و تدبیر و تفکر در آن مشغول ساز چرا که آن همانند یاری است که اگر با او باشی تو را در تمام زندگیت هرگز تنها نمی گذارد.
 - شبهای اعتکاف بیدار بمان و در آن قیام اللیل را بجای آور و از خداوند عزوجل طلب استغفار کن چرا که این شبها همانند دیگر شبها نیست و آن را چون شبهای دیگر به صبح مرسا.
 - زبانت را از غیبت کردن، تهمت زدن، سخن جینی کردن و دیگر سخنان زشت بر حذر دار و جز سخن خیر چیز دیگری بر زبانت جاری مساز.
 - فقط خداوند گریه وزاری را زیاد کن و شوخی و خنده زیاد را ترک کن و سعی کن که در تمام اوقات زندگیت این خصوصیات را داشته باشی.
 - حق برادران مسلمانان را بجا آور و با آنها آنگونه که اسلام از تو خواسته رفتار کن یعنی آنها را بشناس و به آنها محبت کن، و به آنها خدمت و کمک کن.
- چرا که خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾. ترجمه: «همانا مؤمنان با هم برادرند».

حکم اعتکاف و شرطهایش

س: آیا اعتکاف در ماه رمضان سنت موکده است و چه شرطهای دارد؟

ج: اعتکاف در رمضان سنتی است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- آن را در حیاتش ایشان و همچنین همسرانشان در مسجد به اعتکاف می نشستند.

اعتکاف لازم است به صورت شرعی انجام بگیرد و لازم است انسان مسجدی را برای طاعت خداوند پاک و متعال انتخاب کند طوری که خود را از دنیا دور کند و به انواع عبادت مانند ذکر خدا، نماز، صدقه دادن و... مشغول شود همانطور که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- با رغبت زیاد در این روزهای عبادت می کردند در اعتکاف می نشستند.

معتکف با دیدن کارهای دنیا و خرید دوری گزیند، و فروش نکند، از مسجد بیرون نرود، جنازه را همراهی نکند، به دیدار مریضی نرود ولی اگر فردی از خانواده اش به دیدنش آمد صحبت کردن با او اشکالی ندارد، همانطور که در ایام اعتکاف پیامبر -صلی الله علیه وسلم- معتکف بودند و ام المؤمنین صفیه به دیدنش رفتند با ایشان صحبت کردند.

لَیْلَةُ الْقَدْرِ

قال الله تعالى: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾. [سورة القدر].

ترجمه: ما قرآن را در شب با ارزش «لایله القدر» فرو فرستاده ایم.. (۱) تو چه می دانی شب قدر چه اندازه بزرگ و با عظمت است؟! (۲) شب قدر از هزار ماه بهتر است (۳) فرشتگان و جبرئیل در آن شب با اجازه پروردگارشان، پیایی می آیند برای هر گونه کاری که خداوند بدان دستور داده باشد (۴) آن شب، تا طلوع سپیده دم، شب سلامت و رحمت و درود است بر مؤمنان (۵).

عبادت در این ماه و بیدار بودن به خاطر طاعت و عبادت و نماز و قرآن خواندن و ذکر گفتن و دعا کردن برابر است با عبادت هزار شب یعنی با ۸۳ سال و ۴ ماه رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: «کسی که شب قدر را با ایمان خالص و گناهان پیشینش بخشیده می شوند». قیام الیل یعنی بیدار بودن و طاعت و عبادت کردن و نماز و قرآن خواندن و به ذکر و دعا

واستغفار مشغول بودن و از خداوند متعال طلب مغفرت و آمرزش طلبیدن است. از عائشه رضی الله عنها است می فرمودند که گفتیم یا رسول الله اگر دیدم و دانستم که شب لیلة القدر فرا رسیده است چه دعائی را بگوئیم؟ فرمودند «قولى: اللهم إنك عفوٌ تحب العفو فاعف عني».

بگو خداوندا بدرستی که تو بخشاینده مهربانی و دوستدار بخششی، پس ببخای مرا. ابن رجب می گوید: به طلب بخشش کردن در لیلة القدر به همراه سعی و تلاش خالصانه به درگاه خداوند در ده شب آخر رمضان امر شده است. چرا افراد صالح و با تقوا بسیار عبادت و طلب بخشش می کنند اما با این حال بر می گردند به گناهان قبلی شان و فکر می کنند و باز از خداوند طلب بخشش می کنند.

درجه های روزه داران

ابن رجب می گوید: روزه داران بر دو طبقه تقسیم می شوند:

۱- اولینشان کسی است که خوردن و آشامیدن و شهوتش را بخاطر خداوند متعال ترک می کند و عوضش را در بهشت از خداوند می خواهد و مثال چنین شخصی همانند تاجری است که با خداوند متعال معامله می کند، و خداوند متعال کار نیک کسی را ضایع نمی کند.

۲- طبقه دوم کسی است که در دنیا بخاطر خداوند روزه می گیرد خودش را از گناهها و شکمش را از خوردنیها دور نگه می دارد و همیشه آخرت را بیاد می آورد و از زیباییهای دنیا دوری کرده، آنها را برای آخرت ترک می کند.

رمضان ماه قرآن

ماه رمضان یعنی ماه نزول قرآن، و اختصاص داده شده است به ماه قرآن همانطور که خداوند متعال در سوره بقره آیه ۱۸۵ می فرماید:

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾.

ترجمه: «ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن مجید نازل شده است».

در صحیح بخاری و مسلم آمده است که ابن عباس می گویند: «رسول الله -صلی الله علیه

وسلم- از بهترین مردم هست و واز بهترین بودند در رمضان هنگامیکه دیدار می کردند جبرئیل را ودرس می دادند قرآن را به ایشان پس رسول الله -صلی الله علیه وسلم- هنگامیکه جبرئیل دیدارش می کرد بهترین بودند درخوبی از باد وزنده».

این حدیث بر دوستی تدریس قرآن در رمضان وجمع اجتماع مردم به خاطر آن وقرآن خواندن بیشتر شخص حافظ قرآن برای مردم واین دلیلی است از علاقه بیشتر از خواندن قرآن در ماه رمضان.

رمضان ماه بخشش و سخاوت

پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- در ماه رمضان بیش از پیش به عبادت و طاعت مشغول می شدند و بیش از همیشه سخاوتمند و کریم و بخشاینده می گشتند که این خود اشاره ایست به:

- ۱- دو برابر شدن اجر و پاداش اعمال در رمضان
- ۲- تشویق کردن روزه داران، نمازگزاران و ذکر کنندگان به بطشتر عبادت و طاعت کردن که خود اجر و پاداشی مانند انجام دادن آن کارهای نیک دارد.
- ۳- جزا و پاداش بستگی به کاری دارد که شخصی انجام می دهد و به نیتی که برایش آن کار را انجام داده، و کسی که بر بندگان خدا بذل و بخشش کند خداوند متعال نیز او را مورد بذل و بخشش خود قرار می دهد.
- ۴- یکی از راههای ورود به بهشت زیاد روزه گرفتن و صدقه دادن است که باعث بخشش گناهان و دوری از جهنم می شود.
- ۵- صدقه باعث می شود که اگر نقص و خللی در روزه بنده باشد آن را و بهمین خاطر بر هر شخص واجب است که در آخر رمضان زکات فطرش را پردازد تا که شاید باقیمانده کوتاهیها و گناهانش پاک گردند.

چند نصیحت

تو که می خواهی از بهترینها باشی و در قیامت تاج سعادت بر سرت نهند بدین چند

اندرز ما گوش فرا ده؛

- در ادا کردن نماز در سر وقتش بسیار مواظب باش.
- سعی کن ذکرهای نماز و دعاهای صبح و عصر را همیشه بر زبانت جاری سازی و بدان که اگر بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید در جای نشسته ذکر به ذکر خدا مشغول شدی و بعد از آن دو رکعت نماز اشراق (ضحی) را خواندی اجر و پاداش بزرگی در نزد خداوند متعال مانند اجر حج و عمره کامل خواهی داشت.
- سعی کن همه نمازهای سنت مؤکده را بجای آوری دو رکعت آن قبل از صبح و ۴ رکعت قبل از ظهر و ۲ رکعت بعد از آن و ۲ رکعت بعد از مغرب و ۲ رکعت بعد از عشاء همانطور که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند اگر مسلمانی هر روز ۱۲ رکعت سنت را برای خداوند متعال انجام دهد خداوند در بهشت قصری برایش مهیا می سازد.
- رمضان فرصت بسیار بزرگی است که آن را غنیمت بشماری، خیلی از مردم در سالهای گذشته با ما روزه گرفتند ولی الآن در بین ما نیستند و در زیر خاک بسر می برند و یا اینکه بدرجه عجز و ناتوانی رسیده اند که نمی توانند روزه بگیرند پس سعی کن اعمال صالح انجام بدهی و بدان که اگر یاور رمضان باشی او را به دوستی برگزینی خداوند نیز تو را به دوستی بر می گزیند و صحت و سلامتی بدست خواهی آورد که آن خود نعمت بسیار بزرگی است پس در همه حال شکرگذار خداوند متعال باش.
- همه نیرو توانت را در راه خواندن و فهمیدن قرآن بگذار و در هر روز از رمضان با خواندن قرآن سعی کن برای خودت توشه ای ذخیره کنی و در هنگامی که منزل را مشغول به کاری هستی به قرآن گوش فرا ده بده چرا که رمضان ماه قرآن است.
- سعی کن از رها یافتگان از آتش هولناک جهنم و رحمت شدگان الهی باشی چرا که رمضان ماه بخشش است و خداوند متعال رمضان را ماه رهایی از آتش جهنم قرار داده است.
- بدان که سخن زشت از اجر و پاداش روزه دار می کاهد پس زبانت را، حداقل در این ماه، از کلام حرام چون؛ غیبت، دروغ و سخن چینی حفظ کن و از اعمال و رفتار جاهلان کناره گیری کن و همیشه این سخن پیامبر -صلی الله علیه وسلم- را آویزه گوشت ساز که می فرمایند: «... فَإِنْ سَابَهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ: إِنْی صَائِمٌ ، إِنْی صَائِمٌ». پس اگر کسی به تو حرف زشتی

و یا قصد جمال و درگیری با تو را داشت بدو بگو من روزه دارم من روزه دارم.

• در ماه رمضان از آنچه که خداوند به توارزانی داشته بسیار صدقه بده، همانطور که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- زیاد صدقه می دادند تا جایی که دست سخاویشان از باد وزنده پیش می گرفت.

• ماه رمضان ماه دعا است و در آن درهای بهشت باز می شوند و درهای جهنم بسته و شیطان در زنجیر اسارت برده می شود سعی کن در این ماه از دعا گویان و عاجزان درگاه الهی باشی.

• رمضان ماه عبادت است پس سعی کن نمازت را ادا کنی و اگر خواهی خواست در مسجد نمازش را بجا آورد باید را با پوشش و حجاب کامل و خوب و بدون بوی خوش بطرف مسجد رود و نباید که نمازگزاران را با بچه هایش اذیت و آزار رساند.

• رمضان فرصتی است برای تسکین نفس و پاک کردن و بدان که پروردگار بقیه رمضان همان خدای ماهها و روزهاست پس فقط بنده رمضان مباش.

• سعی کن وقت را در خواب و تنبلی و یا با نشستن جلوی تلویزیون ضایع نکنی و سعی کن حداکثر استفاده را از عبادت کردن در این ماه ببری.

• سعی کن در شب لیلة القدر مانند ام المؤمنین اسوه و نمونه باشی، کسی که در شب لیلة القدر بسیار عبادت می کرد و می گفت؛ هنگامیکه از پیامبر خدا -صلی الله علیه وسلم- در مورد دعای شب لیلة القدر سوال کردم ایشان فرمودند بگو: «اللهم إنيك عفوٌ تحب العفو فاعفُ عني». بار الها تو بخشاینده ای و بخشش را دوست داری پس مرا ببخش.

• سعی کن قبل از نماز عید زکات فطرت را بدهی چرا که آن گناهان روزه دار را پاک کرده، و غذا و طعامی است برای گرسنه فقیر و درمانده محتاج.

• از خداوند متعال خواهان آن باش که روزه ها و نمازها و کارهای نیکویت را مورد قبول درگاهش قرار دهد و از اینکه در این ماه بخشش و غفران از گنه کاران باشی دوری کن. چرا که چقدر از روزه دارانند که از روزه شان جز تشنگی و گرسنگی هیچ بهره ای نبرده اند و چقدر از نماز گزارانند که چیزی جز مگر خستگی آیدشان نمی شود.

• از اینکه از نافرمانی خداوند کنی، بخصوص در ماه رمضان بر حذر باش، چرا که

همانطور که طاعت و عبادت اجر بزرگی در رمضان دارد گناه و معصیت را سزای بزرگی است.

• واگر در رمضان حیض شدی ناراحت مشو چرا که این امر برای دختران آدم قرار داده شده است و در این روزها با اعمال صالح دیگر از خداوند طلب اجر و پاداش را خواهان باش چرا که این روزها، روزهای مبارکی است.

عمره در ماه مبارک رمضان

برادر و خواهر مسلمانم!

عمره در رمضان ثواب بزرگی دارد همانطور که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می فرمایند: «عمره در رمضان مساوی با حج است» و در روایتی دیگر فرمودند: «برابر با حجی است با من».

و بدان که:

نماز خواندن در مسجد الحرام به مثابه ۱۰۰ هزار نماز است و در مسجد نبوی هزار نماز پس غنیمت بدان این اجر و پاداش را و این فایده ها را حاصل کن، و دست و پاهایت را بالا بکش و آماده شو برای این ثواب بزرگ تا که شاید از رستگاران شوی.

وداع با ماه نور

در زمان پیامبر اکرم -صلی الله علیه وسلم- مؤمنان صالح و پرهیزکار زیادی بودند که در رمضان برای جمع کردن اعمال صالح کوشش زیادی داشتند که سعی زیادی می کردند کاری را که شروع کرده اند آن را به خوبی به اتمام برسانند.

آنها کسانی بودند که خداوند در سوره مؤمنون آیه ۶۰ در مورد آنها چنین می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ﴾.

ترجمه: «و آنان که وظایف خود را انجام می دهند و باز هم دلهایشان از فکر بازگشت بسوی خدا ترسان است».

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «کاری که انجام می دهید سعی کنید که بیشترین اهتمام را برای قبول شدنش بدهید».

بندگان صالح و پرهیزکار در گذشته ۶ ماه در سال دعا می کردند: بار خدایا ما را برای رمضان آینده زنده نگه دار، و ۶ ماه بعد از رمضان دعا می کردند که خداوند طاعات و عبادت‌هایشان را در رمضان گذشته مورد قبول درگاهش قرار دهد.

حضرت حسن علیه السلام می فرماید: خداوند متعال ماه رمضان را مانند میدان مسابقه ای قرار داده است که در آن بندگان صالح و پرهیزکار با طاعات و عبادت‌شان برای کسب رضایت خداوند مسابقه می دهند و در این میان گروهی هستند که از گروه دیگر سبقت می گیرند و از برنده شدگان می شوند.

حضرت علی علیه السلام در آخر شبهای ماه رمضان فریاد بر می آوردند ای کاش می دانستم آن سعادت‌مند خوشبخت نیکوئی که دعایش پذیرفته می شود کیست و آن بیچاره محرومی که از درگاه حق رانده می شود و دعایش قبول نمی شود کیست.

ای بندگان خدا ماه رمضان قصد سفر دارد و از آن چیز کمی باقی نمانده اگر تا حال اعمال صالح و کارهای نیکوی زیادی انجام داده ای بیشتر بکوش که تا آخر رمضان چند پگاهی بیش نمانده.

و اما تویی که اعمال صالح انجام نداده ای به هوش باش که چند روز دیگر برای اتمام رمضان باقی نمانده این چند روز را غنیمت بشمار و خودت را به خدای خود نزدیکتر کن و این را بدان که شاید تقدیر رمضان دیگری را برایت رغم نزده باشد.

بعد از رمضان

رمضان با همه خوبیها و لطافت‌هایی که داشت بالأخره رخت بر بست و قلبهای مشتاق عاشقانش را در هاله ای از امید به بازگشتی دیگر و ترس از اینکه دیگر دیداری در کار نباشد رها کرد.

رمضان امسال آمد و بسیاری از عزیزان و دوستان و آشنایانی که رمضان سال گذشته را در کنار ما به عبادت می پرداختند خبری نبود، و رمضان رفت و دوستانی را نیز با خود برد، و بار دیگر رمضان خواهد آمد، اما آیا ما خواهیم بود؟! و یا که رمضان می آید و بسیاری از ما - شاید من و تو هم - زیر خروارها خاک خفته باشیم و با منکر و نکیر درگیر!..

رمضان آمد و بارهای سنگین گناه کمرهای ما را خم کرده بود، در چشمه جوشان رمضان

- بامید مغفرت و بخشش الهی - همه آن گناهان شسته شد و شخصیت هر یک از ما بگونه ای دیگر ساخته شد؛ دور از گناه و سرشار از باده غفران و بخشش الهی، با درسهایی از صبر و بردباری واراده، و با آموزش فقر اختیاری که دارایان را با درد مستمندان و ناداران مجبور آشنا ساخت، با تربیت شکمی که اساس همه اختلافات طبقاتی و روابط اجتماعی است - البته برخی رمضان را فقط اختلاف در اوقات غذا می دانند و از آن ماه خورد و نوش و خواب و آرامش ساخته اند، با این وجود رمضان آنها را نیز از برکات خویش محروم نمی سازد! -

در این ماه مبارک خداوند شیطانها را بزنجیر کشید تا مؤمنان بدور از وساوس شیطان و سربازانش بتوانند پله های صعود و رسیدن بخداوند را بپیمایند، و اکنون که رمضان رفت ... تو گویی می خواهد مؤمنانی را که ادعای عشق می کنند بیازماید، تا ثابت شود که عشقشان عشقی است راستین و پایدار یا شعاری توخالی ...

حال که رمضان رفته خداوند شیطانهایی را که چون شیر درنده یک ماه کامل در زنجیر بودند را به یکباره آزاد می کند، خود تصور کنید که شیطانها با چه شراست و ددمنشی ای به شکارهای خود حمله ور خواهند شد، از اینروست که اهل عرفان گفته اند شیطان پس از رمضان از همیشه وحشی تر و درنده تر است، چون شیری که یک ماه کامل در بند زنجیر بوده و لب به شکاری نزده باشد!

منکرات و گناهانی که در روز عید شاهد آنی خود ترجمانی است از این شراست و ددمنشی شیطان که همه آنها را در چشمان دوستان خویش زیبا جلوه می دهد...

ای مؤمن بیا با کمال صداقت و مردانگی کمر به طاعت خداوند بر بندیم تا کمر شیطان بشکنیم. البته با زاد و توشه ای که از باغچه رمضان برگرفته ایم می توانیم بسادگی به آرزویمان دست یابیم.

در مکتب رمضان که خود سلطان فرصتهای طلایی است آموختیم که فرصتهای طلایی عبادت را غنیمت بشمریم، و اگر ما تنها و تنها به این نکته توجه کنیم تا آمدن رمضان آینده و درس دیگر بنظر من موفقیت بسیار بزرگی را بدست آورده ایم. در اینجا جای دارد به برخی از این فرصتهای طلایی اشاره ای کنیم.

۱- شش (۶) روز روزه ماه شوال که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر

کسی که پس از روزه رمضان شش روز از شوال را روزه بگیرد گویا همه سال را روزه گرفته است.

۲- نمازهای تهجد سحرگاهان. در وقت سحر خداوند بندگانش را می خواند: آیا کسی هست که از من آمرزش بخواهد تا او را بیامرزم... در این لحظه های حساس و فرصتهای طلایی جای دارد مؤمنان با حداقل دو رکعت نماز خود را به پیشگاه الهی نزدیک سازند و خواستههایشان را از او و تنها او بخواهند.

۳- پایبندی به نمازهای جماعت پنجگانه.

۴- نماز ضحی - یا اشراق - دو رکعت نماز پس از بالا آمدن خورشید که بیشتر مردم از خداوند غافلند، پاداشت حج و عمره ی کاملی را برایت به ارمغان می آورد.

۵- پایبندی به دعاهای صبح و شام.

۶- لبخندی بر لبانت! آیا زحمتی دارد که دو لب ت را کمی کش دهی و لبخندی بسازی که لبخند مؤمن به برادر مسلمانش صدقه است.

۷- روزه تاسوعا و عاشورا.

۸- اهتمام به عبادت در ده روز اول ماه ذی الحجه که در این ده روز عمل صالح پیش خداوند از هر چیز دیگری ، حتی از جهاد در راه خدا بالاتر و والاتر است، مگر مجاهدی که با مال و جان خویش به معرکه رود و هرگز برنگردد!

۹- روزه روز عرفه که کفاره گناهان سال گذشته و آینده است.

۱۰- اهتمام و پایبندی به نمازهای جمعه، که جمعه تا جمعه کفاره گناهان میان آندو و سه روز بیشتر است. (یعنی ۱۰ روز).

اینها برخی از فرصتهای طلایی است که ما از بزرگترین و والاترین و با ارزشترین فرصت طلایی که رمضان است آموختیم، رمضانی که در آن شبی است بهتر از هزار شب، یعنی بهتر از هشتاد و سه سال و چهار ماه، و آنانی که چیزی از کرم و سخاوت الهی درک می کنند می دانند که «بهتری» نزد خداوند چه معنا دارد! - شاید بیش از هزار سال و شاید هم بیشتر ... - شب قدر پادشاه و سرور فرصتهای طلایی بود، و خوشا بحال آنانکه این فرصت را غنیمت شمردند.

اگر هر یک از ما این فرصتهای طلایی را با خطی بزرگ نوشته در اتاق خود و پیش روی خود آویزان کند تا همیشه بیادشان باشد بسادگی می تواند پیمان و عهدش را با رمضان تا بازگشت دوباره آن حفظ کند...

زکات فطر (فطریه)

عبدالله بن عمر می گوید: رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فطریه رمضان را برای هر زن و مرد و کوچک و بزرگ از مسلمانان فرض کرده است، فطریه یعنی یک صاع (دومشت) از غذایی است که شخص باید در ماه رمضان بدهد، البته نمی تواند فرش، لباس، حیوان یا کالا و یا چیز دیگری باشد چرا که این خلاف چیزی است که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- برای مردم قرار داده است همانطور که می فرمایند: «من عمل عملاً لیس علیه أمرنا فهو ردّ».

«کسی که کاری را انجام دهد که من به آن امر نکرده ام کارش قابل قبول ما نیست».

* مقدار ۲ صاع ۲ کیلو و ۴۰ گرم از گندم خوب است.

* امام ابوحنیفه پول را برای فطریه دادن جایز می داند. چرا که هدف از فطریه بر طرف کردن حاجت بینوا در روز عید است تا با سایر مسلمانان در شادی و خوشحالی عید شریک گردد، در نتیجه او با پول می تواند نیازهایش را بهتر بر آورده سازد و شاید به برنج و یا گندم نیازی نداشته باشند.

فطریه باید قبل از نماز عید داده شود البته بهتر است فطریه روز عید قبل از نماز عید داده شود و می تواند یک یا دو روز قبل از آن نیز ادا شود و اگر بعد از نماز عید داده شود جایز نیست.

ابن عباس -رضی الله عنهما- از رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می فرمایند: «فرض زکاة الفطر طهراً للصائم من اللغو والرفث، وطعمه للمساكين، فمن أداها قبل الصلاة فهي زکاة مقبولة، ومن أداها بعد الصلاة فهي صدقة من الصدقات».

(زکات فطر بر هر مسلمان فرض است چرا که گناهان روزه دار را پاک می کند و غذای است برای فقیران اگر آن را قبل از نماز داد زکاتش پذیرفته می شود اما اگر بعد از نماز عید داد آن مانند صدقه است که می دهد و زکات فطر محسوب نمی شود).

ولی اگر کسی نمی دانست که مثلاً امروز عید است و بعد از نماز عید اطلاع یافت و یا در مکانی بود که مستحقی در آنجا نیافت که فطریه را به او بدهد بر او واجب می شود که بعد از نماز بدهد.

عید

عید برای کیست؟

برادر و خواهر مسلمانم:

عید شادی و خوشحالی است برای مؤمنان البته اگر از کسانی باشند که در این ماه از پیروز شدگان باشند.

﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾. (یونس: ۵۸).

ترجمه: «ای رسول الله بگو شما باید منحصرأً بفضل و رحمت خدا شادمان شوید که آن بهتر و مفیدتر از ثروتی است که بر خود اندوخته می کنید».

بدان که:

عید برای کسی نیست که لباس جدید می پوشد برای آن کسی است که بر طاعات و عباداتش افزوده شده است.

عید برای کسی که به لباسش زرق و برق و زیبایی افزوده نیست عید از آن کسی است که گناهانش بخشیده شده اند.

از سنتها و مستحبات عید

- غسل کردن و خوشبو کردن بدن و پوشش بهترین لباس.
- خوردن، قبل از خارج شدن برای نماز در عید فطر.
- خارج شدن زنان و بچه ها برای عیدگاه.
- رفتن بسوی نماز عید از یک راه و برگشتن از راه دیگر.
- صدقه زیاد دادن.
- اظهار شادی و خوشحالی هنگام دیدار با مسلمانان.

- تهنیت و تبریک گفتن به هم دیگر با گفتن «تقبل الله منا ومنك». «خداوند طاعات و عبادات همه ما و شما را قبول فرماید».
- تکبیر گفتن در عید فطر از وقتی که بسوی نماز خارج می شویم تا وقت خطبه و بعضی از علما تکبیر را از شب عید شروع می کنند.

وقت نماز عید

وقت نماز عید به اندازه یک متر یا دو متر یا حدود نصف ساعت بعد از طلوع آفتاب تا قبل از ظهر است.

مکان نماز

اکثر علما می گویند که بغیر از مکه در جاهای دیگر باید نماز عید در عیدگاه خوانده شود نه در مسجد، مگر در وقت ضرورت و یا معذوریت چون باریدن باران و یا گرمای طاقت فرسا.

اما طبق نظریه امام شافعی خواندن نماز عید در مسجد بهتر است مگر در زمانی که جا در مسجد تنگ باشد در این صورت در صحرا و یا جایی گسترده تر در خارج و یا کناره شهر می توان نماز گذارد.

نماز عید شامل دو رکعت بدون اذان و اقامه است و قبل از آن خطبه انجام می گیرد و قبل از هیچ نماز عید نماز نفلی جایز نیست.

قضاء نماز عید

أئمه حنفی و مالکی می گویند کسی که نماز عیدش را از دست داد و نتوانست آن را با امام بجای آورد جایز نیست که به تنهای نماز بخواند باید با جماعت نماز گزارد و اگر امکان داشت که با امام دیگری نماز گزارد نمازش را ادا کند .

امام شافعی و امام حنبلی می گویند: کسی که نماز عیدش را با امام از دست داد قضایش را مانند نماز عید بجا آورد (برای اینکه حضرت انس رضی الله عنه هنگامی که نمازش در جماعت فوت شد خودشان به تنهایی نمازشان را ادا کردند و شاید این رأی درستتر باشد).

در پایان دستهای تضرع وزاری به درگاه احدیت دراز نموده دعا می کنیم:
«اللهم اغفر لنا ذنوبنا، وتقبل صيامنا وقيامنا واختم بالصالحات أعمالنا، وصل الله وسلم وبارك على
نبينا محمد وعلى آله وصحبه وسلم».

ضمیمه

۱- دعای قنوت

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله العظيم القديم الأزل، يغفر الذنوب ويعفو الزلل، تنزه مولانا وخالقنا عن النقص والعلل، جبار
قوى لا يكل ولا يمل.
لا إله إلا الله الواحد الأحد، الفرد الصمد، الذي لم يلد ولم يولد، ولم يكن له كفوا أحد، لا إله إلا الله،
بها نحيا، و بها نموت، وبها نلقى الله، وبها نوالي، وبها نعادي، سبحانه من إله عظيم يغفر الذنوب ولا يبالي.
لا إله إلا الله العظيم التواب، الغفور الوهاب، الذي خضعت لعظمته الرقاب وذلت لجبروته الصعاب
وخشعت لملكوته أولو الألباب، يسبح الرعد بحمده والسحاب، غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب، لا
إله إلا هو عليه توكلنا وإليه متاب.
لا إله إلا الله ذو الجلال والإكرام، وهو الله الملك القدوس السلام. سبحانه الله الملك القدوس المطاع،
سبحان الله عدد ما دعا لله داع، سبحانه الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر.
اللهم لك الحمد، أنت قيم السماوات والأرض ومن فيهن، ولك الحمد أنت مالك السماوات والأرض
ومن فيهن، ولك الحمد أنت نور السماوات والأرض ومن فيهن. اللهم لك الحمد، أنت الحق، ووعدك الحق،
ولقاؤك حق، وقولك حق، والجنة حق، والنار حق، والنبؤون حق، ومحمد حق، والساعة حق.
اللهم لك أسلمت، وإليك حاكمت، فاغفر لي ما قدمت وما أخرت وما أسررت وما أعلنت، وأنت
المقدم، وأنت المؤخر، لا إله إلا أنت.
اللهم لك الحمد كله، وإليك يرجع الأمر كله، اللهم لك الحمد حتى ترضى ولك الحمد حين الرضى
ولك الحمد بعد الرضى.
اللهم صل وسلم وبارك على عبدك ونبيك محمد -صلى الله عليه وسلم- عدد ما أحاط به علمك،
وخط به قلمك، وأحصاه كتابك، وصل وسلم وبارك عليه ملء الجنان والفردوس الأعلى، اللهم صل وسلم
عليه حتى ترضى.
اللهم اهدنا فيمن هديت، وعافنا فيمن عافيت، وتولنا فيمن توليت، وبارك لنا فيما أعطيت، وقنا
واصرف عنا شر ما قضيت، فإنك تقضي ولا يقضى عليك وإنه لا يعز من عاديته ولا يذل من واليته،

تباركت ربنا وتعاليت، نستغفرك اللهم من جميع الذنوب والخطايا ونتوب إليك. أهل الشاء والمجد، أحق ما قال العبد وكلنا لك عبد، اللهم لا مانع لما أعطيت ولا معطي لما منعت، ولا ينفع ذا الجدد منك الجدد.

اللهم اقسم لنا من خشيتك ما تحول به بيننا وبين معصيتك، ومن طاعتك ما تبلغنا به جنتك، ومن اليقين ما تهون به علينا مصائب الدنيا والآخرة، وامتعنا اللهم بأسماعنا وأبصارنا وقواتنا أبدا ما أحييتنا، واجعله الوارث منا، واجعل ثأرنا على من ظلمنا، ولا تجعل مصيبتنا في ديننا، ولا تجعل الدنيا أكبر همنا، ولا مبلغ علمنا، ولا إلى النار مصيرنا، واجعل الجنة هي دارنا، ولا تسلط علينا بذنوبنا من لا يخافك فينا ولا يرحمنا، برحمتك يا أرحم الراحمين، اللهم إنك عفو كريم تحب العفو فاعف عنا، اللهم إنك عفو كريم تحب العفو فاعف عنا، اللهم أنك عفو كريم تحب العفو فاعف عنا.

اللهم إن طردتنا من باب جودك فمن الذي يؤويننا؟ وإن أبعدتنا فمن الذي يقربنا؟ إلهنا، ذنوبنا إليك صاعدة، ورحمتك بنا نازلة، يا رب الأرباب، ويا ملك الملوك، إنا نشكو إليك ضعف قوتنا، وقلة حيلتنا، وهواننا على الناس، يا أكرم الأكرمين، ويا أرحم الراحمين، أنت رب المستضعفين، وأنت ربنا، إلى من تكلنا؟ إلى بعيد يتجهمنا؟ أم عدو ملكته أمرنا؟ إن لم يكن بك علينا غضب فلا نبالي، ولكن عافيتك هي أوسع لنا. نعوذ بنور وجهك الذي أشرقت له الظلمات وصلح عليه أمر الدنيا والآخرة من أن تنزل بنا غضبك أو يحل علينا سخطك، لك العتبي حتى ترضى ولا حول ولا قوة إلا بك.

اللهم إنا ندعوك دعاء المساكين، ونرجوك رجاء الخائفين رجاء من كثرت ذنوبه، وقلت حسناته، وأجمته خطاياهم ولم يجد إلا أنت راحما ولم يجد إلا أنت ناصرا، يا أرحم الراحمين، ويا أكرم الأكرمين، يا رب العالمين، يا واسع الفضل، يا واسع المغفرة، اختتم لنا حياتنا برضوانك والعتق من نيرانك يا رب العالمين. أنت الغني ونحن الفقراء، وأنت القوي ونحن الضعفاء، وإنا عبيدك، بنو عبيدك، بنو إمامك، نواصينا بيدك، ماض فينا حكمك، عدل فينا قضاؤك، نسألك اللهم بكل اسم هو لك، سميت به نفسك، أو أنزلته في كتابك، أو علمته أحد من خلقك، أو استأثرت به في علم الغيب عندك، أن تجعل القرآن العظيم ربيع قلوبنا، ونور صدورنا، وجلاء أحزاننا، وذهاب همومنا وغمومنا.

اللهم اجعل القرآن العظيم حجة لنا، ولا تجعله حجة علينا. واجعلنا اللهم ممن قرأ القرآن فارتقى به القرآن في أعلى الجنان، ولا تجعلنا ممن قرأ القرآن فرجَّ به القرآن في النار، اللهم اجعلنا من حملة القرآن ومن حفاظ القرآن ومن جنود القرآن تحت لواء القرآن، واجعلنا اللهم من أهل القرآن وخاصته.

اللهم زين قلوبنا بزينة الإيمان واجعلنا هداة مهتدين، وارفع مقتك وغضبك عنا، ولا تؤاخذنا بما فعل السفهاء منا.

اللهم إنا نسألك فعل الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين وأن تغفر لنا وترحمنا وإذا أردت فتنة قوم فتوفنا غير مفتونين.

اللهم إنا نسألك حبك، وحب من يحبك، وحب عمل يقربنا إلى حبك، وحب من ينفعنا حبه عندك.

اللهم لا تدع لنا في مقامنا هذا ذنبا إلا غفرته، ولا همّا إلا فرجته، ولا ديناً إلا قضيته، ولا حاجة من حوائج الدنيا هي لك رضا ولنا فيها صلاح إلا قضيتها ويسرّها يا أرحم الراحمين.
إلهنا وخالقنا، يا رحمان ويا رحيم لو بلغت ذنوبنا عنان السماء ما ينسنا من رحمتك، فإن رحمتك أوسع لنا.

اللهم كن لنا ولا تكن علينا، اللهم اختم بالسعادة آجالنا وحقق بالزيادة آمالنا واقرن بالعافية غدونا وآصالنا، واجعل إلى رحمتك مصيرنا ومآلنا.
اللهم أصلح لنا ديننا الذي هو عصمة أمرنا وأصلح لنا دنيانا التي فيها معاشنا وأصلح لنا آخرتنا التي إليها معادنا واجعل الحياة زيادة لنا في كل خير واجعل الموت راحة لنا من كل شر.
اللهم إنا ظلمنا أنفسنا ظلماً كثيراً، وإنه لا يغفر الذنوب إلا أنت فاغفر لنا مغفرة من عندك وارحمنا إنك أنت الغفور الرحيم.

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾
﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾

اللهم انصر الإسلام والمسلمين، اللهم انصر الجهاد والمجاهدين، اللهم انصر من نصر دين محمد -صلى الله عليه وسلم- واجعلنا منهم، اللهم اخذل من خذل دين محمد -صلى الله عليه وسلم- ولا تجعلنا منهم.
اللهم من أراد الإسلام والمسلمين بسوء فاشغله في نفسه واجعل تدبيره في تدميره.

اللهم فرّج عن المسلمين في كل مكان، اللهم فرّج عن المسلمين في فلسطين والفلبين والشيشان، اللهم فرّج عن المسلمين في كشمير واندونيسيا وأفغانستان.

اللهم عليك بجيوش الكفر والنفاق، اللهم العنهم وعذبهم ودمرهم.
اللهم عليك بإسرائيل وأمريكا ومن معهم وكل من ساعدهم، اللهم إنا نجعلك في نحورهم ونعوذ بك من شرورهم. اللهم أرنا فيهم يوماً أسوداً كيوم هامان وفرعون.

اللهم يا منزل الكتاب ومجرى السحاب وسريع الحساب وهازم الأحزاب اهزمهم يا قوي يا جبار يا منتقم يا متكبر يا قهار يا عظيم يا شديد البطش. اللهم أنت القهار وأنت الجبار أرنا قهرك وجبروتك في هؤلاء الكفار.

اللهم قد أفسدوا البلاد، وقتلوا العباد، وذبحوا الأطفال وسبوا النساء، اللهم دمر ديارهم وشتت شملهم وزلزل أقدامهم وجحد الدماء في عروقهم وخذهم أخذ عزيز مقتدر عاجلاً غير آجل إنك على كل شيء قدير.
اللهم يا رب طير أبابيل سلط أبابيلك على جنود الكفر في كل مكان.

اللهم انصر مجاهدي دينك، اللهم أمددهم بمدد من السماء، اللهم أمددهم بملائكة بدر وأحزاب، اللهم كن معهم ولا تكن عليهم.

اللهم أنت الشافي لا شفاء إلا شفاءك فاشف مرضانا ومرض المسلمين، اللهم اشف جرحى المجاهدين شفاء لا يغادر سقما. اللهم اشفنا من أمراض البدن والروح، اللهم اشفنا من أمراض البدن والروح، اللهم اشفنا من أمراض البدن والروح.

اللهم إنك قلت وقولك حق ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ وها نحن ببابك قد دعوناك كما أمرتنا فاستجب لنا كما وعدتنا ولا طردنا عن باب جودك خائنين.

وصل اللهم وسلم على عبدك ونبيك محمد -صلى الله عليه وسلم- وعلى صحابته ومن تبعهم إحسان إلى يوم الدين.

سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين. آمين

۲- نیایش سحرگاهان

«بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ الْقَدِيمِ الْأَزَلِّ، يَغْفِرُ الذُّنُوبَ وَيَعْفُو الزَّلَّلَ، تَنْزَهُ مَوْلَانَا وَخَالِقُنَا عَنِ النَّقْصِ وَالْعِلَلِ، جَبَّارٌ قَوِيٌّ لَا يَكَلُّ وَلَا يَمَلُّ».

بنام پروردگار همیشه زنده، بزرگ و پاینده، بخشاینده گناهان، ودرگذر کننده از اشتباهات، پاک است و منزّه پروردگار ما از کمیها و کاستیها، قوی و نیرومند است، ناتوانی و سستی را بر او راهی نیست.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ».

هیچ معبودی لائق پرستش نیست مگر پروردگار بزرگ و بردبار، جز آفریننده و پادشاه آسمانها و زمین هیچ معبودی شایستگی پرستش ندارد، هیچ إله و معبودی نیست مگر الله تعالی، پروردگار آسمانها و زمین، پروردگار بخشاینده و مهربان، مالک و صاحب عرش بزرگ، شاهنشاه جهان آفرینش.

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى عَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ -صلى الله عليه وسلم- عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَخَطَّ بِهِ قَلَمُكَ، وَأَحْصَاهُ كِتَابُكَ، وَصَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَيْهِ مِثْلَ الْجِنَانِ وَالْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى، اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ حَتَّى تَرْضَى».

بارالها به اندازه علم و دانشت و به عدد کلماتی که قلمت نگاشته و کتابت برشمرده

صلوات و سلام و درود فرست بر بنده و پیامبرت محمد -صلی الله علیه وسلم- الهی به وسعت بهشتها و فردوس برینت بر او صلواتها و سلامها فرست. بارخدایا بر پیامبرت آنقدر سلام و درود فرست که موجب خشنودی و رضایت گردد.

«اللَّهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنَا فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنَا فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا أَعْطَيْتَ، وَقِنَا وَاصْرِفْ عَنَّا شَرَّ مَا قَضَيْتَ، فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ وَإِنَّهُ لَا يَعْزُ مِنْ عَادِيَتِكَ وَلَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، تَبَارَكَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ، نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا وَنَتُوبُ إِلَيْكَ».

بارالها ما را در زمره هدایت یافتگان درگاهت قرار ده. و با آنکه گناهانشان را آمرزیده ای همراه گردان. و به دوستی گیر با دوستان و در آنچه بما ارزانی داشته ای برکت نه. و ما را در پناه خویش از زشتی و پلیدیها دورگردان چرا که قضا و قدر در دست توانای توست و کسی را قدرت محاسبه تو نیست. الهی کسی را توانائی عزت و شرف بخشیدن نیست آنکس را که تو دشمن شمرده ای. و کس نتواند خوار کند آنکه را بدوستی گرفته ای. پاک و منزهی تو ای پروردگار ما. از همه گناهان و زشتیها به درگاه مغفرت و بخشش تو روی آورده ایم.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، الْمَنَّانُ، يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، إِنَّا نَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ».

بارالها حمد و سپاس تنها شایسته بزرگی توست، جز تو هیچ اله و معبودی نیست، تویی پروردگار بخشاینده، نیست هیچ شریکی تو را، ای آفریننده آسمانها و زمین، ای شاهنشاه سخاوت و بزرگی، ای آگاه و توانا و دانا بر همه چیز و همه کس، ما از درگاه تو بهشت برین را مسألت داریم و از عذاب هولناک آتش جهنم به بزرگیت پناه می بریم.

﴿رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾.

بارالها ما بدانچه بر پیامبرت فرو فرستادی ایمان آوردیم و از او پیروی نمودیم، پس ما را با راستگویان و شاهدان و گواهان حق محشور فرما.

﴿رَبَّنَا لَاتَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾.

الهی ما را آزمون آزار و بلای ستمگران و ظالمان قرار مده و با فضل و رحمت خویش ما را از آماج فتنه و بلاهای کافران نجات بخش.

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾.

پروردگارا، ببخشای بر ماگناهانمان را و از زیاده رویها و تندرویهایمان درگذر و ما را در

راحت ثابت قدم دار و بر ملت‌های کافر پیروزمان گردان.

﴿رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾.

بارالها در دنیا بما خیر ارزانی دار و سرای آخرت‌مان را خوشبخت و با سعادت گردان و ما را

از عذاب آتش جهنم برهان.

﴿رَبَّنَا لَاتُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا، رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا، رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَّا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾.

بارالها، ما را بر اشتباهات و فراموشی‌هایمان باز خواست مکن، الهی بار تکالیف و مسؤولیتهای

سنگین را آنچنانکه بر دوش ملت‌های پیشین، بسبب گناهان و معصیتهایشان، گذاشته بودی بر

دوش مامگذار، پروردگارا بر ما آنچه که ما را یارای آن نیست و از قدرت و توانمان خارج است

تحمیل مگردان، و از گناهانمان درگذر و ما را مورد عفو و بخشش و رحمت و شفقت خویش قرار

ده، تویی یار و یاور ما، پس ما را بر ملت‌های کافر پیروز گردان.

﴿رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾.

بارالها پس از آنکه لذت و حلاوت ایمان را به قلب‌هایمان چشاندی آنها را از راه سعادت

گمراه و سرگردان مکن، و از درگاه خودت بما رحمتی ارزانی دار که تنها تویی سخاوتمندترین

بخشایشگران.

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ

رَحِيمٌ﴾.

پروردگارا از گناهان و معصیتهای ما و برادرانمان که در راه ایمان بر ما پیشی گرفتند

درگذر، و ما را بیامرزد. الهی در قلبها و دل‌های ما هیچ کینه و حقدی بر مسلمانی جای مده.

بارالها، تو بسیار رؤوف و مهربان و بخشنده ای.

«اللَّهُمَّ اصْلِحْ لَنَا دِينَنَا الَّذِي هُوَ عِصْمَةٌ أَمْرِنَا، وَاصْلِحْ لَنَا دُنْيَانَا الَّتِي فِيهَا مَعَاشُنَا، وَاصْلِحْ لَنَا آخِرَتَنَا الَّتِي

فِيهَا مَعَادُنَا، وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لَنَا فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لَنَا مِنْ كُلِّ شَرٍّ».

بارالها، دیناندری ما را اصلاح گردان که صلاح و موفقیت در کارهایمان بر آن است،

و دنیایمان را پاک ساز که حیات و زندگی‌مان در آن است و آخرت‌مان را نیکوکن که بازگشت‌مان

بسوی آنست. و همواره خیر و خوبیها را بر زندگی‌مان بیفزای و با مرگ ما را از همه زشتیها و بدیها

برهان.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الْهُدَىٰ وَالتَّقَىٰ، وَالْعَفَافَ، وَالْغِنَىٰ».

الهی بر ما هدایت و رستگاری، تقوا و پاکدامنی، قناعت و خوشدلی ارزانی دار.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالسُّجُنِ، وَالْبُخْلِ، وَالْمَهْرَمِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ آتِ نُفُوسَنَا تَقْوَاهَا، وَزَكَّاهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا. أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا».

الهی ما از تنبلی و ناتوانی، ترسویی و بخیلی، پیری و عذاب قبر به تو پناه می بریم. بارالها به دلهای ما تقوا ارزانی دار و آنها را پاک ساز که تو از همه به پاکی آنها تواناتری، تو صاحب امر و مالک آنهایی. الهی ما از علم بیهوده و بی فایده و از قلبی که از تو هراس و ترسی ندارد، و از جان و تنی که سیری و قناعت نمی شناسد و از دعائی که پذیرفته درگاہت نیست به تو پناه می بریم.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ، وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ».

بارالها ما از اینکه نعمتهایت از ما گرفته شود، و سلامتی و عافیتی را که به ما ارزانی داشته ای از دست دهیم و از اینکه ناگهان مورد خشم و غضب تو قرار بگیریم، و از هر گونه خشم و نارضایتی ات بتو پناه می آوریم.

«اللَّهُمَّ رَحْمَتِكَ نَرْجُو فَلَا تَكِلْنَا إِلَىٰ أَنْفُسِنَا طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَاصْلِحْ لَنَا شَأْنَنَا كُلَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

الهی برحمتت چشم امید دوخته ایم، پس ما را لحظه ای به حال خود وامگذار، همه کارها و امورات را نیکو گردان، هیچ الهی و معبودی نیست مگر ذات پاک تو.

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾.

هیچ اله و معبودی نیست مگر ذات پاکت، تو پاکی و منزله، منم که برخود ظلم و ستم روا داشته ام.

«اللَّهُمَّ إِنَّا عِبِيدُكَ، بَنُو إِمَائِكَ، نَوَاصِينَا بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيْنَا حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيْنَا قَضَاؤُكَ. نَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِّيَتْ بِهِ نَفْسُكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرَتْ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قُلُوبِنَا، وَتُورَ صُدُورِنَا، وَجَلَاءَ أَحْزَانِنَا، وَذَهَابَ هُمُومِنَا».

بارالها، ما بندگان و بردگان تو، فرزندان بردگان تو، فرزندان کنیزکان دربارت، امورات همه در توان و قدرت و اختیارت، هر آنچه امر کنی بر ما روا باشد و هر حکمی در حق ما صادر کنی عدل است و داد، به هراسمی که شایسته بزرگی توست و بدان خودت را نام نهاده

ای یا که در کتابت آورده ای، یا که به بنده ای از بندگانت آموخته ای، و یا که در علم غیبت محفوظ داشته ای، از تو می خواهیم که قرآن را بهار قلبهایمان و نور سینه هایمان و جلا دهنده غم و اندوهمان و پاک کننده ناراحتیهایمان سازی.

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ كَرِيمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَاعُ عَنَّا».

الهی تو کریمی و بخشاینده و بخشایش را می پسندی پس از ما درگذر.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ، وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ، وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا، وَتَرْحَمَنَا، وَإِذَا أَرَدْتَ فِتْنَةَ قَوْمٍ فَتَوَفَّنَا غَيْرَ مَفْتُونٍ، وَنَسْأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنَا إِلَى حُبِّكَ».

بارالها ما را در انجام کارهای خیر یاری ده، و از زشتیها بازدار، و دوستی و محبت بینوایان را در قلبمان جای ده، و از ما درگذر و رحمت و بخشایشت را نصیب حالمان کن، و اگر خواستی قومی را به فتنه و امتحانی براندازی، بدون آزمایش و امتحان جانمان بستان. الهی ما را از دوستیت و محبت دوستانت و محبت هر آنچه ما را بتو نزدیکتر می سازد بهرمند ساز.

«اللَّهُمَّ اقْسِمِ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا تَحُولُ بِهِ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ، وَمَنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ، وَمِنْ الْيَقِينِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنَا مَصَائِبَ الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ مَتَّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُوَاتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَارَنَا عَلَيَّ مَنْ ظَلَمْنَا، وَانصُرْنَا عَلَيَّ مَنْ عَادَانَا، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا».

بارالها، آن مقدار از ترس و هراس از قدرت و توانت بما ارزانی دار، که بین ما و گناهان دوری افکند، و آن قدر از توفیق طاعت و عبادتت بما ارزانی ده، که ما را به بهشت برین رساند. و آن مقدار از ایمان و یقین که مشکلات و مصائب دنیا را برایمان آسان و هموارسازد. الهی ما را از نعمت شنوائی و بینائی و نیرو و توانمندی تا آخرین لحظه ای که بما زندگی عطا می فرمائی محروم مساز، و وارث ما را از خودمان قرار ده، و انتقام ما را از کسی که بر ما ظلم روا دارد بگیر، و ما را بر آنکس که بر ما دشمنی می ورزد یاری ده، و مصیبت و گرفتاریهایمان را در دینمان مگردان، و دنیا را بزرگترین آرزو و امیدمان، و بالاترین درجه علم و دانش و فهممان قرار مده و کسی را که بر ما رحم و شفقت ندارد بر ما چیره مگردان.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ».

بارالها، بما ارزانی دار آنچه که دروازه های پر سخاوت و رحمت و بخشایشت را برویمان

می گشاید. وما را از معصیت و گناه بر حذر داشته بسوی نیکیها و خوبیها روانه ساز. الهی درهای نورانی بهشت را برویمان بگشای و ما را از آتش سوزناک و عذاب هولناک جهنم در امان دار.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ بِأَنَّكَ الْوَاحِدُ، الْأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا ذُنُوبَنَا، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».

ای پروردگار یگانه و یکتا، ای آنکه دستان محتاجان تنها بسوی تو دراز است، تو پاکی از اینکه فرزند و یا پدر باشی، و تو پاک و منزهی از شریک داشتن، تو را مثل و مانندی نیست. بارالها، ببخشای بر ما گناهانمان را، تنها تویی بخشاینده مهربان.

«اللَّهُمَّ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِنَا، وَاصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا، وَاهْدِنَا سُبُلَ السَّلَامِ، وَنَجِّنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَجَنِّبْنَا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي أَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُلُوبِنَا، وَأَزْوَاجِنَا، وَذُرِّيَّاتِنَا، وَثُبِّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَاجْعَلْنَا شَاكِرِينَ لِنِعْمِكَ مُشِينِينَ بِهَا عَلَيْكَ قَابِلِينَ لَهَا وَأَتِمِّمْهَا عَلَيْنَا».

بارالها، بین قلبها و دلهایمان محبت و الفت آفرین و سوء تفاهمهایمان را برطرف ساخته ما را براه سعادت و رستگاری رهنمون فرما. الهی از سیاهچالهای گمراهی به نور ایمانمان هدایت نموده از بدیها و زشتیهای آشکار و پنهان ما را در امان دار. پروردگارا درشنوائی و بینائیمان و در دلها و قلبهایمان و در همسران و فرزندانمان برکت عطا فرما. و ببخشای بر ما که تویی بخشاینده مهربان. بارالها، ما را شکرگذار نعمتهای بیدریغت قرار ده و به ما توفیق آن ده که همیشه حمد و سپاس و ستایش تو گوئیم و ما را مستحق و قابل آنهمه فضل و کرم قرار ده و بیفزای بر ما خیر و نیکی را.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ عَيْشَةً نَقِيَّةً، وَمَيِّتَةً سَوِيَّةً، وَمَرَدًّا غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ».

بارالها، سعادت و خوشبختی و شادکامی در زندگی را از درگاه عظمت و بزرگیت مسألت داریم. الهی مرگمان را به آرامی و راحتی بر ما نازل فرما، و از بازگشت زشت و ناشایسته بسوی درگاه عدلت در امانمان دار.

﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾.

بارالها ما با نافرمانی دستورات تو به خویشتن ظلم و ستم ورزیده ایم و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم و شفقت نورزی از زیانکاران خواهیم شد ...
﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾.

پروردگارا بتو توکل جسته ایم و بسوی تو روی آورده ایم و بازگشت همگان بسوی توست.

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

بارالها، کافران را بر ماچیره مگردان و ما را سبب روی گردانی آنان از دینت مساز، پروردگارا ببخشای ما را که تو بر همه چیز توانا و دانایی.

«اللَّهُمَّ انصُرِ الْإِسْلَامَ وَالْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ انصُرِ الْجِهَادَ وَالْمُجَاهِدِينَ، اللَّهُمَّ انصُرْ مَنْ نَصَرَ دِينَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ، اللَّهُمَّ اخذُلْ مَنْ خَذَلَ دِينَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْهُمْ».

بارالها پیروز گردان اسلام و مسلمانان را. الهی یاری ده جهاد و مجاهدان را. پروردگارا پیروز گردان هر آنکس که دین محمد - صلی الله علیه وسلم - را یاری می دهد و ما را از زمره ایشان قرار ده. الهی خوار و رسوا ساز آنانرا که خوار ساخته اند دین محمد - صلی الله علیه وسلم - را و ما را از آنان قرار مده.

«اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَ الْإِسْلَامَ وَالْمُسْلِمِينَ بِسُوءٍ فَاشْغَلْهُ فِي نَفْسِهِ وَاجْعَلْ تَدْبِيرَهُ فِي تَدْمِيرِهِ».

پروردگارا هر آنکس که بر علیه اسلام و مسلمانان نقشه می کشد را بخودش مشغول دار، و نیرنگ و حيله اش را سبب هلاکت و نابودیش قرار ده.

«اللَّهُمَّ عَلَيْكَ بِأَعْدَاءِ الْإِسْلَامِ وَبِكُلِّ مَنْ سَاعَدَهُمْ وَسَانَدَهُمْ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ. اللَّهُمَّ أَرِنَا فِيهِمْ يَوْمًا أَسْوَدًا كَيَوْمِ هَامَانَ وَفِرْعَوْنَ».

پروردگارا دشمنان اسلام و هر آنکس که دست یاری و کمک بدانان داد را خوار و رسوا ساز. بارالها تیر زهراگینت را در حلقومشان فرو بر و ما را از بلاها و نیرنگهایشان در امان دار. بارخدایا آنان را چو هامانیان و فرعونیان هلاک و نابود گردان.

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ حَقٌّ: ﴿أَدْعُوْنِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ وَهَذَا نَحْنُ بِيَابِ جُودِكَ قَدْ دَعَوْنَاكَ كَمَا أَمَرْتَنَا فَاسْتَجِبْ لَنَا كَمَا وَعَدْتَنَا وَلَا طَرْدْنَا عَنْ بَابِ جُودِكَ خَائِبِينَ».

بارالها تو گفتی و سخنت راست است و حقیقت «مرا خوانید تا حاجتهایتان برآرم» و حال این مائیم که بر دروازه کرم و سخاوتت آنچنان که امر فرموده ای دست تضرع و زاری دراز نموده ایم پس دعاهایمان را پذیرا باش و ما را از درگاه سخاوتت دل شکسته و ناامید مرهان.

«وَصَلِّ اللَّهُمَّ وَسَلِّمْ عَلَيَّ عَبْدِكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَعَلَى آلِهِ وَصَحَابَتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ»

يَحْسَانَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ».

بارالها سلام ودرود فرست بر بنده و پیامبرت محمد - صلی الله علیه وسلم - و بر خاندان

ویاران و پیروان راستینش تا روز قیامت.